



میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران

پنل (۸)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران

پنل (۸)

خرداد ۹۴



شناسه گزارش

<p style="text-align: center;">اعضای پنل:</p> <p>دکتر نسرين نورشاهی (رئیس مؤسسه)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی مؤسسه)؛ دکتر عباس بازرگان (استاد دانشگاه تهران)، دکتر عبدالرضا باقری (رئیس گروه تخصصی برنامه‌ریزی کشاورزی)، دکتر محمدرضا آهنجیان (عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر محمد حسین ملک احمدی (معاون مرکز نظارت و ارزیابی وزارت)، دکتر مهرنوش بازارگادی (دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - ارزیابی آموزش عالی - علم و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی)، میترامنوچهری یکتا (کارشناس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر مقصود فراستخواه (دبیر میز)؛</p>	<p style="text-align: right;">شماره گزارش: پنل ۸</p> <p style="text-align: right;">عنوان گزارش: آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران</p> <p style="text-align: right;">تاریخ برگزاری پنل: چهارشنبه - ۱۳۹۴/۰۲/۲۹</p> <p style="text-align: right;">مکان برگزاری پنل: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.</p> <p style="text-align: right;">تدوین گزارش مذاکرات: حسین سمیعی سمیه اشراقی</p> <p style="text-align: right;">جمع بندی و نگاشت سناریوها: مقصود فراستخواه (دبیر میز)</p>
---	---

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۷	خلاصه مدیریتی ؛ جمع بندی و نتیجه پنل توسط دبیر میز
۸-۲۰	پیوست: مشروح گفتگوها در پنل

خلاصه مدیریتی؛ جمع بندی و نتیجه پنل توسط دبیر میز

مقدمه و روش شناسی

آینده پژوهی آموزش عالی سامانه ای از سعی عالمانه برای بررسی و فهم روش مند و موثق حوزه های آینده نظام آموزش عالی علم و فناوری است. میز آینده پژوهی آموزش عالی ساختاری برای گفتگو و جستجوی رضایت بخش شبکه ذینفعان است. آینده پژوهی یک فرهنگ و یک فرایند است تا یک ابزار یا محصول است. مهمترین دست آورد آینده پژوهی این است که مواجهه فراکنشی با تغییرات پرشتاب داشته باشیم، سیستم آموزش عالی چابک شود و نسبت به تغییرات گسسته ای که در دنیا هست غافلگیر نشود، آینده های بدیل را بتوانیم درک کنیم و در ساختن آن سهمیم.

آینده پژوهی یک فرهنگ و فرایند است تا یک ابزار و فرآورده ... Process No Project

□ مهمترین دستاورد آینده پژوهی :

- تغییر در مدل های ذهنی
- مواجهه فراکنشی با تغییرات شتابان
- چابکی و مصونیت از غافلگیر شدن
- درک آینده های بدیل
- سهمیم شدن در ساخت آینده
- امید معرفتی وزبانی برای تقلیل مرارتها و ارتقای شرایط زیست در این سیاره

فراسخوار، آینده ارزشیابی آموزش عالی، ۱۳۹۴

3

یکی از روش هایی هم که در این پنل به عنوان یک چارچوب انتخاب شده است، نگاهت سناریو است. سناریو ها گزینه هایی درباره مسیر آینده هستند که به روش سیستماتیک تهیه، رتبه بندی و اعتبار بخشی می شوند. اگر بتوانیم این گزینه های آینده را بررسی و اعتباریابی کنیم در آن صورت می تواند گزینه هایی برای آینده به شکل سناریو تعریف شود. احتمالاتی هستند که از اثنای تأمل در نیروهای پیشران و عدم قطعیت های آینده و حالت های حدی به دست می آیند. یعنی اگر نیروهای پیشران آینده را شناسایی و از طریق این ها، حالت های حدی عدم قطعیت ها را مرور کنیم از آن طریق می توانیم انواع احتمالات آینده خودمان را بازنمایی کرده و در نهایت از بازنمایی انواع احتمالات آینده، سناریو به دست می آید. سناریوها از طریق آن نیروهای پیشران و عدم قطعیت ها به دست می آید.

انواع مختلف تکنیک هایی که برای نگاهت سناریو وجود دارد مثل تحلیل روندها، تحلیل تأثیر متقابل، روش های اکتشافی که توأم با تصویرگری و دانش متفکرانه هستند، تحلیل حساسیت، نگاه اجتماعی و درخت های احتمال. یکی از تکنیک های سناریو نگاری





تکنیک GBN است. همان تکنیکی است که خیلی هم به کار می رود و در خیلی جاهای دیگر از آن استفاده می شود و شوارتز و دیگران ارائه داده اند و الان شبکه کسب و کار جهانی این را به کار می گیرد.

این میز آینده پژوهی فضایی برای اجرای گروه بحث کانونی و بارش ذهنی است تا بتوانیم در مورد پیشران ها بیاندیشیم و ببینیم که چه پیشران هایی وجود دارد که آینده ارزش یابی آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می دهد. اگر بخواهیم در این کشور ارزش یابی آموزش عالی داشته باشیم چه عوامل شکل دهنده ای برای آن در ایران وجود دارد؟ از این طریق می توانیم آن عدم قطعیت هایی بشناسیم که پیش روی آینده ارزش هست. حالت های حدی عدم قطعیت ها را بتوانیم بیشتر مورد تأمل قرار دهیم و از طریق آن ها به سناریوها نزدیک شویم.

بیشتر منطق مرکزی این کار ما این است «چه می شود اگر...» What if? . یعنی اگر چنین اتفاقی بیافتد چه می شود و ما با یک منطق علی می خواهیم ببینیم که براساس عوامل شکل دهنده آینده، مهم ترین حوزه های نایقینی ما در ارزش یابی آموزش عالی چیست؟ و احتمال دارد که چه سناریوهایی پیش روی ما باشد؟ تا درباره آن سناریوها بتوانیم بیشتر فکر کنیم. البته ملاک ها و معیارهایی برای سناریوها وجود دارد.

مسئله چیست؟

بحث اصلی فقدان ارزشیابی های کارآمد، صحیح و معنادار در آموزش عالی و علم و فناوری است که ما را به آینده های مبهمی پرتاب می کند. برای این که با این مسئله درگیر شویم سعی می کنیم از طریق روش سناریونویسی پیش روییم. در واقع فرض ما این است که ارزش یابی هایی که فعلاً به شکل رسمی در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری وجود دارد نوعاً ناکارآمد شده اند. گاهی معنادار نیستند و گاهی بازیگران در آن شرکت نمی کنند. دانشگاهیان تمایل ندارند که در بسیاری از این فعالیت ها مشارکت کنند. متخصصان می گویند که این روش صحیح ارزش یابی آموزش عالی نیست. در نتیجه به دلیل همین ارزش یابی های ناکارآمد و بی معنایی که در پیش گرفته ایم، به آینده ای مبهم پرتاب می شویم.

کیفیت در آموزش عالی و علم و فناوری به چه معناست؟

موضوع ارزشیابی کیفیت است و فرض ما در مورد کیفیت این است که کیفیت به معنای جور بودن عملکرد با هدف های صحیح است یعنی اگر ما هدف های صحیحی انتخاب کنیم و عملکرد ما با آن اهداف جور باشد کیفیت را خواهیم داشت. ارزشیابی آموزش عالی و نظام علمی برای این است که اولاً هدف های درستی انتخاب بشود و دوم این که آن هدف های درست، بدرستی تحقق پیدا کنند و عملکرد ما متناسب و مطابق با این هدف های درست باشد.

طی سالهای گذشته نسل های مختلفی از کیفیت به عرصه آمدند. جور بودن عملکرد ما با استانداردهای پیشین در نسل اول بوده است. نسل بعدی جور بودن عملکرد با هزینه ها شده است. نسل بعد جور بودن عملکرد با خواسته مشتریان مستقیم شده است و در حال حاضر تقریباً بحث های جدی دنیا این شده است که عملکرد ما با آینده جور شود. یعنی اگر عملکرد آموزش عالی با آینده تناسب داشته باشد، کیفیت خواهیم داشت. منظور از آینده شرایط و تقاضاهای نو پدیدر محیط ملی و بین المللی است. در محیط ملی و محیط بین المللی ما مرتب تقاضاهای نو پدیدظاهر می شود. شرایط، تکنولوژی، بازارها عوض می شوند. علم، کرانه ها و سرحداتی آن مرتب در حال توسعه هست و ما الان باید عملکردمان را با آینده تطبیق دهیم و در نتیجه این جا آینده پژوهی ارزش یابی آموزش عالی هم اهمیت پیدا می کند. تاچه اندازه ارزش یابی های آموزش عالی در کشور ما در آینده خواهند توانست روش های کارآمد و درستی باشند و با این ارزش یابی ها چقدر می توانیم به آینده عزیمت کنیم.

کیفیت به معنای جور بودن عملکرد ما با هدفهای صحیح

تسل ها	
۱	جور بودن عملکرد ما با استانداردهای پیشین
۲	جور بودن عملکرد ما با هزینه ها
۳	جور بودن عملکرد ما با خواسته مشتریان مستقیم
۴	جور بودن عملکرد ما با آینده: شرایط و تقاضاهای نوپدید در محیط ملی و بین المللی

قراسفوا، آینده ارزشیابی آموزش عالی، ۱۳۹۴

۵

عوامل اصلی شکل دهنده به آینده ارزشیابی آموزش عالی و علم و فناوری

سیاست گذاری و حکمرانی آموزش عالی یکی از عوامل شکل دهنده ارزش یابی آموزش عالی است . یک عامل دیگر مدیریت دانشگاه ها است. همینطور مهم خواهد بود که آیا نهادهای حرفه ای و تخصصی غیردولتی در اعتبارسنجی ، ارزش یابی داریم یا خیر ؟ تعاملات در محیط بین الملل، عامل تعیین کننده دیگری است. اینکه چقدر در شبکه هایی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت جهانی عضو خواهیم بود و چه اندازه با آن ها مشارکت و تعامل می کنیم ؟ همینطور عوامل دیگر مثلا رابطه آموزش عالی با مؤسسات آموزش علمی و همچنین با جامعه و صنعت و جهان کار چه خواهد بود ؟ از آن ها چقدر سفارش می گیرد ، چه اندازه ارزشیابی هایش با مشارکت آن ها پیش می رود ؟ و مسائلی از این دست . گفتگوی ذینفعان ، صدای مطالبه کنندگان کیفیت چقدر در جامعه ما وجود دارد ؟ چقدر صدای مطالبه کننده در جامعه ما شنیده نمی شود ؟ فرهنگ سازمانی دانشگاه ها ، جو گروه های دانشگاهی ما چگونه است ؟ چقدر اعضاء هیئت علمی مشارکت بکنند یا نه ؟ شرایط رقابتی و وضعیت بازار عرضه و تقاضا در ایران چگونه شود ؟ آیا میان دانشگاه ها تعامل بشود یا خیر ؟ اصلا" دانشگاه ها بتوانند کنسرسیوم تشکیل دهند و بتوانند شبکه تشکیل دهند یا خیر؟ این ها عوامل شکل دهنده ارزش یابی آموزش عالی هستند. و همین طور حوزه عمومی و مدنی برای علم وجود خواهد داشت یا خیر؟

یک فرم که در اختیار اعضاء جلسه قرار گرفت که به عوامل شکل دهنده آینده آموزش عالی اختصاص یافته بود. نکات مورد نظر یادداشت شد . جمع بندی به قرار زیر بود:

ردیف	عوامل اصلی شکل دهنده به آینده ارزشیابی آموزش عالی و علم و فناوری
۱	سیاستگذاری و حکمرانی آموزش عالی
۲	مدیریت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و علمی
۳	نهادهای حرفه ای و تخصصی غیر دولتی
۴	تعاملات در محیط بین الملل
۵	رابطه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و علمی با جامعه، صنعت و جهان کار
۶	گفتگوی ذی نفعان
۷	صدای مطالبه کنندگان کیفیت
۸	فرهنگ سازمانی
۹	مشارکت اعضای هیأت علمی
۱۰	شرایط رقابتی و وضعیت بازار عرضه و تقاضا؛ بازار آموزش عالی جهانی: محدودیتها و فرصتهایی که ایجاد خواهد شد.
۱۱	تعاملات میان خود دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و علمی
۱۲	حوزه عمومی و مدنی برای علم و آموزش عالی
۱۳	استقلال نهادی دانشگاهها
۱۴	استقلال مالی دانشگاهها و عدم وابستگی بیش از اندازه به بودجه دولتی
۱۵	سازگاری خلاق برنامه‌های درسی و آموزشی با تکنولوژی‌های نو و بازار کار بدون دنباله‌روی از آنها، میزان انطباق پذیری (انعطاف پذیری) مؤسسات آموزش عالی با تقاضاهای بازار کار
۱۶	هویت دانشگاهها در شرایط پست‌مدرن و با ظهور رقبای جدید
۱۷	دستاوردهای یادگیری دانشگاه و تناسب دانش‌آموختگان با بازار جهانی
۱۸	تمرکز یا عدم تمرکز
۱۹	تقسیم کار ملی
۲۰	قوانین و مقررات آیین نامه‌ها مثل آیین نامه ارتقاء
۲۱	نظام دستمزد
۲۲	زیرساختهای آمار و اطلاعات
۲۳	سازمان یابی دانش‌آموختگان
۲۴	هویت و فلسفه وجودی دانشگاهها در جامعه دانش بنیان



حوزه های نایقینی اصلی در آینده ارزشیابی نظام علمی

مهم ترین پیشران ها انتخاب و بر این اساس دو حوزه نایقینی در آینده ارزش یابی کیفیت آموزش عالی به میان آمد: یک حوزه نایقین این است که آیا نهاد های حرفه ای و تخصصی ارزشیابی در کشور ما توسعه پیدا خواهند کرد یا خیر ؟ یک حوزه نایقینی دیگر در محور عمودی این است که دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی ما ، تعاملات در سطح ملی و بین المللی خواهند داشت یا خیر ؟ ما نمی دانیم که واقعا "چقدر این امکان وجود خواهد داشت که دانشگاه ها شبکه بشوند و با هم کنسرسیوم های منطقه ای و ملی تشکیل دهند ؟ و بعد با دانشگاه های دنیا تعاملات مؤثر داشته باشند . این را هم نمی دانیم که آیا ارزشیابی همچنان به عنوان یک کار دولتی و دیوانسالار باقی خواهد ماند یا برای آن نهادهای غیر دولتی حرفه ای و تخصصی به وجود خواهد آمد و نهادملی اعتبارسنجی به صورت یک نهاد واسط میان دولت ودانشگاه ها وبازار کار ، آیا سرانجام در کشور به وجود خواهد آمد یا نه؟ این هم یک حوزه نایقینی دیگر است .

«آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران» دو عدم قطعیت مهم درباره

تهادهای حرفه ای و تخصصی در ارزشیابی
و اعتبارسنجی چقدر توسعه پیدا می کنند یا نمی کنند

تعاملات
ومشارکتهای
در سطح
ملی و بین
الملل، چقدر
توسعه پیدا
می کند یا
نمی کند



سناریوهای آینده

برحسب اینکه توسعه تعاملات و مشارکت های ملی و بین المللی در محور عمودی چقدر خواهد بود؟ (مثبت بالا و منفی پایین محور عمودی است) و نیز برحسب اینکه توسعه نهادهای حرفه ای و تخصصی در حوزه اعتبارسنجی و ارزش یابی چقدر اتفاق خواهد افتاد؟ (سمت راست جنبه مثبت و سمت چپ منفی)، فضای سناریونگاری فراهم شد و در این فضای سناریونگاری ۴ سناریو خود را نشان داد:



سناریوی ۱: دولت؛ متصدی ارزشیابی

وقتی است که نه نهادهای حرفه ای و تخصصی در ایران توسعه پیدا کنند و نه دانشگاه ها در سطح ملی و بین الملل تعامل کنند. یعنی دو وضعیت حدی نامطلوب وقتی با هم جمع می شوند سناریویی که حاصل می شود این است که دولت متصدی ارزشیابی خواهد شد. یعنی همه ارزشیابی ها و بار ارزش یابی به معنای تصدی گرانه به گردن دولت و بروکراسی دولتی خواهد افتاد و از این جا یک نظارت و ارزشیابی دیوان سالاری اتفاق خواهد افتاد. ارزیابی های درونی هم چون در زیر پرچم دولت و با محدودیت های دولتی انجام می گیرد صوری و اداری خواهد شد. استانداردها هم فقط روی کاغذ نوشته خواهد شد. کیفیت هم به اجابت مقررات دولتی تقلیل پیدا خواهد کرد. در نهایت دانشگاهی با کیفیت تلقی خواهد شد که بخش نامه ها را اجرا و مقررات دولت را اجابت کند.

سناریوی ۲: دولت؛ سختگوی مشتریان و ذی نفعان

اما اگر نهادهای حرفه ای و تخصصی توسعه پیدا نکردند ولی تعاملات در سطح ملی و بین الملل وجود داشت. آن گاه سناریویی که ممکن است اتفاق بیافتد این است که دولت سختگوی مشتریان و ذینفعان می شود. چون نهادهای حرفه ای و تخصصی وجود ندارند، دولت عهده دار مسئله کیفیت می شود. منتها چون تعاملات وجود دارد سختگوی مشتریان و ذینفعان می شود. در این صورت احتمال



می رود که ارزیابی بیرونی با حضور ذینفعان بیرونی اهمیت پیدا کند ، دولت به تب جهان گیر رتبه بندی پیوندد و چون در جهان رتبه بندی وجود دارد ما هم رتبه بندی داشته باشیم ، چرا ؟ ، چون می خواهد نماینده صنعت و مشتریان بیرونی شود . حتی دولت ممکن است از ممیزان بین المللی برای ممیزی آکادمی هم دعوت کند . مثلاً" برای ممیزی دانشگاه ها .

▪ سناریوی ۳. دولت ؛ حامی ملی دانشگاه

وقتی است که نهادهای حرفه ای و تخصصی توسعه پیدا کند ولی تعاملات لازم در سطح ملی و بین الملل انجام نگیرد . در این صورت دولت حامی ملی دانشگاه خواهد شد و از نهادهای اعتبارسنجی حمایت می کند . نهاد ملی اعتبارسنجی ایجاد می کند . به طبقه بندی و سنخ شناسی تمایل نشان می دهد . ارزیابی درونی و بیرونی هم چون دانشگاه ها توسعه پیدا کرده اند با ابتکار خود آن ها اتفاق می افتد . کیفیت با رویکرد معرفت شناختی و با رویکرد درون گرا اهمیت می یابد . یعنی بیشتر دانشگاه ها مبنای کیفیت شان را رویکردهای معرفت شناختی و آکادمیک قرار می دهند و دولت هم از این ها حمایت می کند . چرا؟ ، چون تعاملات وجود ندارد که پای صنعت هم به حوزه کیفیت بیاید ، متقاضیان بیرونی ، فناوری و چیزهای دیگر مطرح شود.

▪ سناریوی ۴. دولت ؛ ظرفیت سازی شبکه ملی و بین المللی کیفیت

یک آینده چهارمی وجود دارد که سناریوی بسیار مطلوب و مرجح آینده ما است و آن این است که هم نهادهای حرفه ای و تخصصی در حوزه کیفیت (به ویژه غیر دولتی) داشته باشیم و توسعه پیدا کند و هم تعاملات در سطح ملی و بین المللی اتفاق بیافتد . در این جا دولت برای این که شبکه ملی و بین المللی کیفیت را بوجود بیاورد و توسعه دهد ظرفیت سازی می کند نه تصدی گری . یعنی در ایران یک شبکه ملی دانشگاهی برای کیفیت شکل می گیرد و دولت هم فقط ظرفیت سازی می کند و همین طور در سطح بین المللی دانشگاه های ما ما به شبکه بین المللی کیفیت ، APQN و INQAAHE و سایر شبکه ها می پیوندند . چیزهایی که در ذیل این سناریو وجود دارد این است که ارزیابی درونی و بیرونی با مشارکت جدی استخدام کننده ، صنعت ، ذینفعان بیرونی و بازارکار به راه می افتد . مثلاً" یک از فرم هایی که در ارزیابی درونی وجود دارد استخدام کننده است و همین طور توسعه پیدا می کند . ارزیابی در این سناریو با یک وضعیت ارتقاء یافته ترو با جلب رضایت مشارکت کنندگان ذینفعان بیرونی پیش می رود . کنسرسیوم های دانشگاهی تشکیل می شود و دانشگاه ها در سطح منطقه و ملی با هم کنسرسیوم می کنند و ائتلاف هایی تشکیل می دهند. تعامل دانشگاه ها با هم وبا دولت سبب می شود طبقه بندی در آموزش عالی اهمیت پیدا بکند و آموزش عالی از این حالت جنگلی نابسامان دوهزار وچند صدتایی خارج بشود ونظم ونسق پیدا می کند. مثلا دانشگاه های باکیفیت در هر منطقه ، بقیه مؤسسات را با هم در یک خانواده حسب مأموریت های تعریف شده شبکه می کنند وهم افزایی وتقسیم کار و استانداردها سازی می کنند. مؤسسات آموزش عالی از طریق دانشگاه ها سامان پیدا می کنند و به شبکه کیفیت می پیوندند واعتبارسنجی می شوند نهادها توسعه پیدا می کند ، ارزیابی درونی و بیرونی به وجود می آید و از دل این ها ساختارهای مؤثر تضمین کیفیت به وجود می آید .

پیوست گزارش پنل: مشروح گفتگوها در پنل

پنل میز آینده پژوهی با حضور متخصصان و مطلعین کلیدی و اعضای پنل و با موضوع «آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران» ساعت ۱۳ الی ۱۶ روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را بیان کردند. در ادامه دیدگاه‌های هر یک از اعضای پنل ارائه شده است:



دکتر نسرین نورشاهی

در میز آینده پژوهی ما یک ساختار گفتگویی را با ابتکار آقای دکتر فراستخواه در مؤسسه راه اندازی کردیم. البته این تقاضایی از طرف معاونت آموزشی وزارت علوم بود که از ما خواستند در بحث آینده پژوهی پیشگام شوید و در مسائلی که در حوزه آموزش عالی مطرح هست، مؤسسه مطالعاتی را در زمینه آینده پژوهی تعریف کند. در واقع در مورد مسائلی که مبتلا به آموزش عالی کشور هست. با این پیشنهاد آقای دکتر فراستخواه این مسئولیت را قبول کردند و در دل این پروژه ایشان یک ساختار گفتگویی را با عنوان میز آینده پژوهی آموزش عالی پیشنهاد دادند. در این ساختار که طرح آن را آقای دکتر فراستخواه دادند، حدود ۱۰ موضوع کلیدی حوزه آموزش عالی را در این طرح ایشان پیشنهاد کردند که در مورد آن‌ها هم مطالعات آینده پژوهی انجام شود و در واقع در دل این ساختار ما به شیوه Focus Group و گردآوری خبرگان، بحث و تبادل نظر موضوعات را به بحث بگذاریم و با متدهایی که در آینده پژوهی مطرح هست به یک جمع بندی هابی برسیم که این نتایج را بتوانیم به ستاد وزارت انعکاس دهیم. این جلسه، هشتمین جلسه ساختار گفتگویی آینده پژوهی ما هست. بحث‌هایی که در جلسات قبل مطرح شد، گسترش آموزش عالی، اقتصاد آموزش عالی، بین المللی سازی آموزش عالی و غیره بود که برحسب مورد هم خبرگانی که در آن زمینه‌ها صاحب ایده و فکر هستند بعضاً منتقد هستند و یا ایده‌هایی را دارند در این جلسه (میز) دعوت می‌شوند موضوع مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و بعد هم جمع بندی می‌شود.

هر هفته جلسه مدیران حوزه معاونت آموزشی تشکیل می‌شود و من هم در این جلسات حضور دارم. در آن جلسات از ایده‌های مؤسسه هم استفاده می‌شود. در یکی از آن جلسات که بحث رتبه بندی دانشگاه‌ها مطرح شد. البته می‌دانید که طبق قانون ۱۵ برنامه پنجم وزارت علوم و بهداشت و درمان مکلف به رتبه بندی دانشگاه‌ها یعنی راه اندازی سیستم جامع نظارت و ارزیابی، و در دل آن بحث رتبه بندی شدند. وقتی این ایده مطرح شد من به عنوان نماینده مؤسسه نظر کارشناسی مؤسسه را مطرح کردم. آقای دکتر شریعتی فرمودند که ما می‌خواهیم یک پروژه ای باشد و یک کاری را سفارش داده ایم و قرار است این کار انجام شود. بنده پیشنهاد دادم که اگر صلاح بدانید چون موضوع رتبه بندی، موضوعی است که موافقان و مخالفانی دارد و بحث‌های کارشناسی متفاوتی در مورد آن هست و حداقل از ۱۵ سال قبل تا به امروز این مسئله به صورت‌های مختلفی مطرح شده است، نظرات کارشناسی هم در مورد آن مطرح شده است و هنوز به سرانجامی نرسیده است. من پیشنهاد کردم که اگر اجازه دهند یک بحث کارشناسی در مؤسسه انجام دهیم و این موضوع را به عنوان یکی از موضوعات میز آینده پژوهی مؤسسه مطرح می‌کنیم، خبرگانی را که در این زمینه صاحب نظر هستند را هم دعوت می‌کنیم، به هر حال این موضوع را در آن میز به بحث بگذاریم. ضمن این که من به شکل خیلی خلاصه هم درسم را پس دادم و گفتم که در مورد بحث رتبه بندی در حال حاضر ایده‌ای که مطرح هست این است که با توجه به این که حدود ۲۶۰۰ مؤسسه آموزشی عالی داریم و این‌ها هیچ یک هم گروه و هم سنخ نیستند به همین دلیل بحث رتبه بندی در این فضا و در این Platform که در آن قرار داریم هم به لحاظ فرهنگی هم به لحاظ سیاست‌هایی که در کل کشور جاری و ساری هست یک موضوع بحث انگیز و مناقشه برانگیز است، نیاز است که در این مورد یک کمی با احتیاط به این موضوع ورود پیدا کنیم و بعد سطح بندی را مطرح کردم و گفتم که این موضوعاتی که در مقابل این ایده وجود دارد که می‌گوید دانشگاه‌ها و مؤسسات باید سنخ‌شناسی، دسته بندی و سطح بندی شوند، بعد از آن ما وارد بحث‌های دیگر اعتبارسنجی، رتبه بندی و موضوعات دیگر شویم.

دکتر عباس بازرگان :

با تشکر من فکر می‌کنم آقای دکتر باقری که سال‌ها ریاست دانشگاه فردوسی مشهد را داشتند و در آن جا تشییت امور می‌دادند و عرض کنم خراسان بزرگ و خراسان کوچک را تحت سیطره ایشان بوده است بد نیست اول به فرمایشات آقای دکتر گوش بدهیم و به درد دل ایشان بیشتر توجه کنیم، بعد وارد گود شویم.

**دکتر فراستخواه :**

هر طور که صلاح می‌دانید، همان طور که خانم دکتر هم فرمودند ما در این جا یک پروپوزال دربارهٔ رتبه بندی داریم. چون یک گوشهٔ این قضیه رتبه بندی است و به هر حال در آیندهٔ ارزش یابی رتبه بندی هم به عنوان یکی از گزینه‌ها مطرح است. در نتیجه شما همان طور که آقای دکتر هم فرمودند می‌توانید بر اساس تجربه‌های بسیار با ارزش خود بحث را شروع کنید.

دکتر بازرگان:

شاید بقیهٔ دوستان کم و بیش در جریان باشند. من از سال ۵۳ یعنی ۴۱ سال پیش که دکتری گرفتم بحث ارزیابی ذهن مرا مثل خوره ای خورده است. دلیل آن هم این بوده است که وقتی دانشجوی دکتری بودم گفتند که اگر بورس تحصیلی می‌خواهید معاون یکی از دفاتر بشوید، که قرار بود در آن سال دانشکدهٔ علوم تربیتی را ارزیابی کند. من رابط بین تیم بازدید کننده و افرادی که در جریان بودند شدم، در نتیجه از همان زمان این که این‌ها چه کار می‌کنند و به چه دلیل این کار را انجام می‌دهند به ذهنم خطور کرد. بنابراین آن چه که من عرض می‌کنم حاصل یک سری تجربهٔ ۴۰ ساله است و به هر حال چیزی نیست که یک دفعه به ذهن کسی رسیده باشد.

ارزیابی دو اصل طلایی دارد. اولین آن این است که اگر در اثر ارزیابی اقدامی برای بهبود انجام نگیرد بیهوده است. دوم این است که باید به کسانی که داده‌ها و اطلاعات ارزیابی را عرضه می‌کنند گزارش کاملی داده شود که ما این‌ها را چرا گردآوری کرده ایم و به چه درد می‌خورند. حالا من از دومی شروع می‌کنم. بنابراین برای این که ارزیابی کنیم باید هدف مشخص باشد. چرا می‌خواهیم آموزش عالی مان را ارزیابی کنیم یعنی دقیقاً "چه نیازی داریم. راستش را بخواهید اخیراً" من به این نتیجه رسیده‌ام که شاید نیازی نداشته باشیم. به هر حال آموزش عالی دارد می‌چرخد، بودجهٔ دولتی می‌آید. اگر قرار بود که در ازای بودجهٔ دولتی کیفیت را نشان دهیم قصه فرق می‌کرد. رأسای دانشگاه‌ها منصوب می‌شوند، دانشجو گرفته می‌شود، برنامهٔ درسی به یکی داده می‌شود و به یکی داده نمی‌شود، اساس آن چیست؟ که حالا دیگر ... حدود ۳۰ سال پیش یعنی سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۵ با دوستان وزارت علوم شوخی می‌کردم و می‌گفتم شماها که به بازدید می‌روید آن کسی که خبر دارد شما می‌روید میکروسکوپ را پیدا می‌کند و می‌گوید بفرمایید هر چه بخواهید ما داریم دیگر چه می‌خواهید و آن هم می‌گوید بله درست است ما هم تأیید می‌کنیم و ... آن هم یک امضاء می‌کند فردا آن را پس می‌دهند و قصه تمام می‌شود. یعنی به عبارت دیگر اگر هدف ظاهرسازی هست که در آن صورت مشکلی نداریم. یعنی ببینید آقای دکتر فراستخواه سوال می‌کنند که عوامل تشکیل دهندهٔ آینده، واقعیت کشورهای جهان سوم را نباید فراموش کنیم وزارت علوم چه اندازه اختیار دارد؟ رئیس دانشگاه تهران بیش از ۸ ماه است که سرپرست است. ایشان سرپرست است و همهٔ اعضاء هیئت علمی دانشگاه می‌گویند که شما که سرپرست هستید ممکن است فردا یا پس فردا بروید، پس ... چه چیزی را می‌خواهیم ارزیابی کنیم؟ یعنی جدی هستیم یا نه؟ اگر جدی باشیم یک قضایای دیگری است. ولی اگر قرار است شوخی کنیم راجع به چه چیزی حرف می‌زنیم؟ چرا رتبه بندی کنیم؟ درجایی دکتر خانجانی، گفتند که چرا می‌گویید که رتبه بندی بالای آموزش عالی است؟ گفتند حداقل همهٔ دانشگاه‌ها دولتی هستند. حالا پیام نور و غیره را من نمی‌گویم. آن‌ها را مثلاً" می‌گویم سیستم آموزش عالی، ولی این‌ها که حدود ۱۶۰ تا که دولتی هستند. یعنی اسم آن دانشگاه است. اگر دانشگاه X آباد صد و شست ام شود، فردا نماینده و بقیهٔ قضایای آن دانشگاه در تهران هستند که چرا چنین چیزی می‌گویند؟ اصلاً" چه می‌گویند؟ یک بار در وزارتخانهٔ شما اتفاق افتاده است که جماعت از اقصی نقاط کشور جلوی ساختمان ایستادند که مجبور شدند بالاخره گفتند خوب ببخشید حالا ما یک کار دیگر می‌کنیم. بنابراین من فکر می‌کنم باید ببینیم که هدف ما از ارزیابی چیست؟ چه چیزی از ارزیابی می‌خواهیم؟ آیا وزارت علوم در اثر این ارزیابی می‌تواند تصمیم بگیرد یا خیر؟ اگر نمی‌تواند اصلاً"

دکتر مهرنوش بازارگادی

آقای دکتر مقتضیات ما چیست؟ چه اندازه زیرساخت‌ها را داریم؟ البته من نوشته‌های آقای دکتر فراستخواه را که می‌بینم بر این عقیده هستم که چشم اندازه‌های ایشان خیلی زیبا است و خیلی آینده نگر هستند. این در جای خود محفوظ است ولی وقتی واقعیت‌ها را می‌بینیم. از زمانی که دانشجوی آقای دکتر بازرگان بودم صحبت کیفیت بوده است، آدم گریه اش می‌گیرد که به جای این که بگوییم جلو رفته ایم ما عقب هم رفته ایم. چون به این نتیجه رسیدم که اگر در جهت کیفیت قدمی برمی‌دارید درست مثل آن مثل قدیمی است که دیکته می‌نویسی اشکال داری، همان بهتر که هیچ کاری انجام ندهی، که از تو ایرادی هم نگیرند. یعنی بحث کیفیت چنین بحثی است. سناریوهایی که آقای دکتر گفتند من فکر نمی‌کنم از آن چارچوب ۱، آن هم، نه همهٔ قوانین و مقررات بتوانیم پافراتر بگذاریم، البته با شرایط و مقتضیات فعلی. سر کلاس در مدیریت می‌گویم از بروکراسی ما به دموکراسی می‌رسیم. در جامعه‌ای که نه حقوق خودمان و نه حقوق دیگران را بدانیم. چه طور می‌توانیم یک باره صحبت از دموکراسی کنیم ما هنوز باید بروکراسی را مشق کنیم که چگونه قانون را بشناسیم. مسئلهٔ ما در رابطه با کیفیت این است. من ۲۵ سال پیش که دانشجوی آقای دکتر بازرگان بودم و در مورد همین قضیه، با همین شدت وحدت صحبت شده، هنوز هم هست. اگر که این پل راه کارهایی داشته باشد تا چه میزان قدرت مانور و اجرا دارد. آیا این باید به مجلس برود چگونه ضمانت اجرایی پیدای کند؟



ما نمی دانیم متولی این قضیه چه کسی است؟ در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم صحبت رتبه بندی دانشگاه ها هست. آن جا که هستیم سیاست گذاری از حدود دی ماه در یکی از معاونت ها که برای پیاده سازی نقشه جامع علمی کشور بخش علم و فناوری مطرح شده کارشان دقیقاً روی این حوزه است که یک ستاد راهبردی برای اجرای نقشه علمی کشور، رأس این هرم آقای دکتر کبکانیان هستند و بعد معاونت هایی را دارند که یکی از این معاونت های آن، ستاد اجرایی باشد در دو اداره کل تعریف شده است که دارای شرح وظایف مرتبط. در یک اداره کل رتبه بندی دانشگاه ها، رصد علم و فناوری کشور و دنیارا انجام می دهند و تعیین اینکه کجا هستیم؟ کجا باید برویم؟ و دیگری پایش است. یک اداره کل دیگر که من هم در آن اداره کل مشغول هستم. ارزیابی آموزش عالی خرد و کلان را انجام می دهد. ما از سال ۷۹ این را کار کرده ایم، این موارد تماماً بحث علمی است و باید در همه جا به اشتراک گذاشته شود. وقتی تضادها را می بینم چقدر خوب است که این بزرگان هم در این جا حضور داشته باشند. متولی کیست؟ و چه ابزاری در دست ما هست که بتوانیم این مهم را انجام دهیم. دوستان زحمت می کشند و یک چنین سناریویی آماده می شود این تا کجا و تا چه حدی می تواند جلو برود؟ ما در زمان هیئت نظارت و ارزیابی دانشگاه ها که هنوز هم همان طور که گفتیم ارزیابی خردکلان دانشگاهها حفظ شده و انجام می شود در زمان آقای دکتر واعظ زاده است، از آن جایی که ما در کشوری هستیم که همه چیز منوط به افراد است نه منوط به سیستم، افراد در واقع تعهدی برای اجرای کار ندارند. باید قوانین افراد را موظف به اجرای برنامه ها کند تا چه اندازه ما می توانیم جلو برویم؟ یک سیستمی باشد اول بگوید حدود اختیارات شما چیست و بعد این یک جایی ثبت و ضبط شود، بحث کیفیت دانشگاه ها به صورت قانون در کشور دربیاید و این قانون نهادی برای اجرائت تعیین کند. یعنی این چیزهای اولیه را باید داشته باشد تا بعد جلوتر برویم و نه پائیناً اینکه چشم انداز داشته باشیم که کدام سناریوها را بپذیریم. شما این زحمت می کشید چه قدر امید به اجرای آن دارید؟

دکتر فراستخواه:

در ادامه طرح بحث از ۳ عامل شکل دهنده به آینده آن اولی حکمرانی بود، خانم دکتر بازارگادی حکمرانی را باز کردند. ما طبق قانون مصوب مجلس شورای ایران در سال ۱۳۸۳ قانون وزارت علوم داریم، تصویب هم شده است. طبق این قانون ارزش یابی آموزش عالی به عهده وزارت علوم است. ۳ مأموریت اصلی در این قانون طرح شده است، یک وظیفه هم ارزش یابی آموزش عالی است و وزارت علوم تنها نهادی است که می تواند استیضاح شود و نهاد قانونی است و جامعه می تواند از او حساب بخواهد که چه کار کرده است. الان وزارت علوم می گوید که من باید عهده دار سیاست ها و چارچوب ها و زیرساخت های ارزشیابی وزارت علوم باشم. تا این تعدد اختیارات و چیزهای دیگر وجود دارد ما به آینده های مبهم پرتاب می شویم. من به عنوان کارشناس می گویم و ارزش داوری نمی کنم، من واقعیتی که در حد یک دانش آموز احساس و توصیه می کنیم این است. حالا در سناریو نویسی بحث می کنند که هر چه ابهام بیشتر شود اهمیت سناریو بیشتر است. اصلاً سناریو برای این است که براساس ابهام بحث شود والا اگر ابهامی وجود نداشته باشد نیازی به سناریو نداریم. می توانیم اصلاً بدون آینده پژوهی مسئله را بررسی کنیم. آینده پژوهی در حوزه ابهام است. یک ابهام وجود دارد اما لطف این جلسه می تواند این باشد که با مسیرهای آینده وضوح داده شود که با انواع ابهام ها ما چه مداخله ای می خواهیم بکنیم. به هر حال آقای دکتر بازارگان فرمودند که چند ۱۰ سالی است که فکر کیفیت آموزش عالی هستند. الان هم چه اقدام ها و مداخلاتی برای همان زیرساخت هایی که فرمودند و برای سیاست هایی که می شود فراهم آورد انجام دهیم. مثلاً به نظر من اگر حتی در حوزه بحث های ما یک پیشنهادی برای نهاد ملی اعتبارسنجی در بیاید حتی با هماهنگی همین نهادهای متولی موازی، باز می تواند مداخله ای بشود.

دکتر بازارگان:

آینده ای که ارزشیابی آموزشی خواهد داشت، ما ۳ آینده را می توانیم در نظر بگیریم. یک آینده مطلوب، که درساروی ۴ شما به آن اشاره کردید. دوم آینده محتمل، یعنی با توجه به گذشته ما می توانیم گذشته را به آینده Projete کنیم و بگوییم که آینده این خواهد شد. سوم آینده ممکن، یعنی ممکن است که ما خیلی چیزها بخواهیم ولی نمی شود. وزارت علوم سر جای خود است و غیره. اصلاً این بیهوده است. بنابراین با توجه به وضعیت خودمان و آن چه ممکن هست این را در نظر بگیریم. اگر این ها را در نظر بگیریم، ما ۱۰ تا زیر نظام آموزش عالی داریم. اگر کسی بگوید نه ۲ تا، ۳ تا شوخی می کند. من این ها را لیست می کنم بعد دلایل آن را می گویم.

۱. نظام آموزشی جامع دولتی، یعنی دانشگاه های جامع دولتی که شامل دانشگاه تهران، مشهد، اصفهان و غیره.
۲. نظام آموزش عالی تخصصی یعنی دانشگاه های صنعتی و کشاورزی که این ها خودشان به هر حال یک وضعیت خاصی دارند. مثلاً دانشگاه صنعتی شریف با دانشگاه تهران قابل مقایسه نیست. هر کسی هم بگوید هست یک کمی کم لطفی کرده است. دانشکده آن یک دپارتمان دانشگاه تهران.



۳. نظام آموزش عالی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. نظام آموزش عالی دانشگاه پیام نور.
۵. نظام آموزش علمی کاربردی.
۶. دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی و غیرانتفاعی.
۷. تربیت معلم ، که حالا دیگر فرهنگیان است . این اصلا" خودش یک سیستم است و کاری هم به کار هیچ کس ندارد .
۸. مؤسسات وابسته به وزارتخانه ها است مثل نفت ، صدا و سیما ، دانشگاه امام حسین (ع) و غیره.
۹. مؤسسات آموزشی الکترونیکی.
۱۰. نظام آموزش عالی پزشکی.

این ها ۱۰ سیستم آموزش عالی است ، همه را بخواهید چوب بزیند و فلان کنید اصلا" مجال است ، در بهترین حالت می توان دانشگاه های آزاد ، پیام نور ، علمی کاربردی و تربیت معلم گفت که حالا ما خدمت شما می رسیم ، بقیه را وارد ۴-۳ دسته با تعریف مشخص کرد. یعنی دسته بندی کنیم خود. شما یک طرح پژوهشی داشتید . آن طرح برای دسته بندی بود که این دسته بندی با کیفیت سروکار داشت . یعنی شما اول می گویند که با یک هدف معینی می آییم یک ویژگی هایی را تعریف می کنیم این ها را در آن دسته ها می گذاریم ، حالا در آن دسته ها چه کار کنیم بماند . این دسته ها درحقیقت دارای رسالت های مشخص هستند . مثلا" دانشگاه های پژوهشی ما حتما" باید بین المللی باشند . یعنی آن ها باید قابل رقابت با بهترین دانشگاه هایی که در منطقه هستند باشند و بعد هم بین المللی حتی در سطح جهانی یعنی اگر نشانه گذاری کنیم Beach Marking به راحتی دانشگاه فردوسی مشهد ، دانشگاه تربیت مدرسو غیره می توانند به آن برسند . بنابراین دسته اول را دانشگاه پژوهشی در حدبین المللی .

دسته دوم را می توانیم دانشگاه های آموزشی - پژوهشی بگیریم که در تراز ملی به هر حال تمایل به بین المللی دارند یعنی کوششی بکنند به آن می رسند ولی بیشتر ملی است . ما آن ها را در سطح ملی نشانه گذاری می کنیم .

دسته سوم هم ، دانشگاه هایی که بیشتر جنبه استانی و حالا نمی خواهم بگویم آموزشی دارند . به هر حال دسته سوم می هست که نشانه گذاری شود آن در سطح استان و نیازهای استانی کمک به حل مسائل توسعه استان می کند .

دکتر رضا منیعی :

من تشکر می کنم ، جلسه خوبی است و استفاده می کنیم . عرض کنم که تعداد مؤسسات آموزش عالی در کل کشور با مراکز تابعه حدود ۲۶۸۰ تا است که هر کدام از این ها مثلا" دانشگاه جامع حدود ۹۰۰ مرکز است . دانشگاه آزاد حدود ۵۰۰ تا ، دانشگاه پیام نور حدود ۴۰۰ تا است . ولی دانشگاه های ۱ و ۲ ، دانشگاه های دولتی مثل دانشگاه تهران ، صنعتی شریف و این ها . حدود ۱۴۰ تا هست که تعداد آن هایی که واژه دانشگاه دارد . فکر می کنم حدود ۸۰ تا باشد . بقیه مؤسسات پژوهشی هستند که درگيردانشجو هستند یا حالا دانشکده یا آموزشکده هستند ، به این صورت است . پزشکی هم که جدا هست که اگر پزشکی را لحاظ کنیم که حدود ۴۰ دانشگاه دارد یعنی در مجموع بیش از ۱۲۰ دانشگاه داریم . ولی بقیه دانشکده ، آموزشکده و مؤسسات آموزش عالی هستند .

دکتر بازرگان :

بنابراین اگر این را در نظر بگیریم، اول باید هدف مشخص شود که وزارتخانه با این کار می خواهد چه کار کند ؟ می خواهد رتبه بندی کند که بگوید ما هم این کار را انجام دادیم . آقای دکتر فرستخواه در جریان رتبه بندی دانشگاه های جهان اسلام هستند . من گفتم این کار بیهوده است گوش به حرف نکردند و رفتند و آمدند و ببینید ... یعنی اگر فرضا" سرماخوردگی دارید و نزد طبیب می روید ، می گوید آنتی بیوتیک لازم است به حرف او گوش می دهید . ولی مثل این که غیر از پزشکی در مورد هر چیز دیگری هرکسی به عنوان متخصص بگوید می گویند این حرف مفت است ما خودمان می دانیم . به هر حال بگذریم .

پس به طور خلاصه پیشنهاد من این است که این ۱۰ زیر نظام را درنظر بگیرید . خیلی جدی دسته بندی کنیم و در هر دسته ای نشانه گذاری ، Beach Marking کنیم . در دسته دانشگاه های پژوهشی - بین المللی یک Beach Mark بگذاریم حالا این کجا باشد من نمی دانم . نمی خواهم بگویم دانشگاه استانبول ، یک دانشگاهی را بگیرید و بگویند می خواهیم به آن برسید . همه قبول دارند و وارد گود آن می شوند. به جای این که این ها را لیست کنید . به بقیه هم می توان رسید یعنی می توان به آن ها کمک کرد و وارد گود کرد . آن وقت شبکه ای که آن شبکه امکان پذیر می شود . شبکه این نیست که بخواهیم این ها را به هم ببندیم ، زنجیر کنیم و قفل کنیم . ابتدا" این طور نیست ، یک اتصال است . مهم تر از همه این ها رسالت مشخص برای هر یک از این ها است . رسالت دانشگاه علمی - کاربردی چیست ؟ ، رسالت دانشگاه پیام نور چیست ؟ خوب این را مشخص کنید این ها هدف گذاری های کاملا" تسریع شده و قابل اندازه گیری است . سر سال سراغ دانشگاه می روید که آیا انجام داده است یا خیر ؟ چه چیزی بهتر از این ، یعنی ارزش یابی آموزشی برای بهبود کیفیت ، نه برای چوب زدن .



دکتر عبدالرضا باقری

بنده هم تشکر می‌کنم از این که از ما دعوت کردید که از جلسه استفاده کنیم گرچه حوزه کاری من ارزشیابی نیست ولی خوب بیشتر استفاده کردم و ۳-۲ نکته ای که به نظرم می‌آید می‌گویم. این که چرا ما وارد این بحث‌ها شدیم عرض می‌کنم. قبل از این که آن نکات را بگویم خدمت آقای دکتر فراستخواه که زحمت کشیدند و آن ۱۲ مبحث را گفتند یکی - دو نکته اضافه کنم که در زمینه ارزشیابی هست.

یکی میزان استقلال دانشگاه‌ها است. یعنی شاید این مهم‌ترین باشد و باید در آن را در رأس جدول قرار دهیم، باید این که دانشگاه چه اندازه استقلال عمل در تصمیم‌گیری‌ها دارند. شاید سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه‌ها، که این یکی از آرزوهایی بود که در قانون وزارت علوم تحقق پیدا کرد ولی در عمل اجرا نمی‌شود. کیفیت خیلی می‌تواند تحت تأثیر میزان استقلال دانشگاه‌ها باشد. وقتی دانشگاه نتواند خودش دانشجوی PHD بگیرد، طبیعتاً به کیفیت هم نمی‌تواند بپردازد. مثلاً شما می‌بینید که در دوره‌های دکترا در سال‌های ۸۷-۸۶ یا ۸۸ پایین‌ترین دانشجویهای دکترا به دانشگاه‌ها وارد شدند. هیچ‌یک از دانشگاه‌ها هم نتوانستند این‌ها را پذیرش نکنند. خوب خروجی‌های دانشگاه چه خواهد بود و ارزش‌یابی دانشگاه‌ها چه خواهد شد. نمی‌توان خیلی این‌ها را به مدیریت دانشگاه یا اعضای هیئت علمی منتسب کنیم در نظام غرب وقتی کسی Tenure می‌شود هیچ کس در کشور نمی‌تواند به او بگوید که چرا راجع به این مسئله انتقاد کردی. نه در دانشگاه، یعنی Tenure یک نفر است که می‌تواند در دانشگاه یا کل کشور می‌تواند کل مسائل کشور را مورد نقد قرار دهد بدون این که کسی به او متعرض شود در حیطه دانشگاه هم طبیعتاً این موضوع وجود دارد.

نکته دیگر میزان استقلال مالی دانشگاه‌ها است. یعنی به چه میزان مداخلات دولت در تأمین منابع دانشگاه‌ها نقش داشته باشد. استحضار دارید که اکثر دانشگاه‌های پیشرفته دنیا به سمتی می‌روند که دخل و خرج خودشان را از دولت جدا یا درصد آن را خیلی کم کنند. دانشگاه‌های ما چیزی حدود ۹۰٪ منابع اعتباری خود را به دولت متکی هستند و این حالت خوشبینانه‌اش است که ۱۰ یا ۱۵ درصد را مستقل باشند. بنابراین اتکا به منابع دولتی طبیعتاً مداخلات دولتی و اتفاقاتی که کیفیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند را به دنبال دارد.

نکته سوم، میزان انطباق‌پذیری مؤسسات آموزش عالی با تقاضای روز است یا انعطاف‌پذیری آن‌ها. چقدر دانشگاه انعطاف دارد که متناسب با بازار کار، متناسب با تکنولوژی‌های نوبی که وجود دارد و در جامع نیاز هست آن دانشگاه آمادگی دارد که بتواند خود را منطبق کند و این طور نباشد که دانشگاه دنباله رو بخش اجرا، صنعت و جاهای دیگر باشد که الان در مواردی این طور هست. طبیعتاً این هم می‌تواند خیلی اثرگذار باشد.

اما نکته دیگری که می‌خواستم بگویم وقتی آقای دکتر بازرگان با حرارت صحبت می‌کردند یاد مقاله‌ای از مرحوم دکتر محمود ثنائی خواندم. فکر می‌کنم ایشان این مقاله را در سال ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵ نوشته‌اند، دیدیم دغدغه‌های ایشان در مورد آموزش عالی همین دغدغه‌هایی است که امروز ما درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم. بخصوص در مورد کیفیت، این مقاله از آن مقاله‌های ماندنی است. عنوان آن "دانشگاه و حوزه عمل یا ... " یک کتابی به نام "آزادی و تربیت" که مجموعه مقالات ایشان از جمله این مقاله در آن چاپ شده است. اولین بحث این مقاله دغدغه‌هایی است که در مورد کیفیت آموزش عالی داریم هست و بعد هم مسائل تربیتی، نقش استاد، ارکان دانشگاه، مدیریت دانشگاه و ... است یعنی در آن جا دغدغه‌هایی مطرح شده است که فکر می‌کنید دغدغه‌های روز است. بنابراین این دغدغه‌ها همیشه از ابتدای تأسیس آموزش عالی در ایران بوده است، الان طبیعتاً خیلی نگران‌کننده و بیشتر شده است. من هم طبیعتاً که مثل خیلی از شما‌ها که یک معلم دانشگاه بوده‌ام، این دغدغه‌ها را دارم و می‌دانم هم که همه‌اش درست نمی‌شود ولی می‌گویم اگر ۱۰٪ آن هم درست شود خیلی باید خوشحال باشیم. آقای دکتر میلی منفرد که آمده بودند من ۲۰-۱۰ مورد از این مشکلات آموزش عالی را یادداشت کرده بودم، رفتم و به ایشان گفتم. خوب ایشان دوام نیاوردند، دوباره آقای شریعتی آمدند، وقت گرفتیم رفتیم و همین نکات را گفتم. از جمله نکاتی که گفتم این موضوع بود که ما به کمیت زیاد پرداخته‌ایم، حداقل در دوره شما دیگر کمیت را توسعه ندهید. شعارتان را کیفیت قرار دهید که حداقل اگر شعار آموزش عالی کیفیت بشود باعث می‌شود در بعضی حوزه‌ها به آن توجه شود، در بعضی خرده نظام‌ها توجه کنند. اصلاً چرا می‌خواهیم دانشگاه‌ها را رتبه بندی کنیم؟ تا هدفی برای این رتبه بندی مشخص نکنیم این رتبه بندی ارزشی ندارد. یکی از نکاتی که قبلاً گفته‌ام، الان هم می‌گویم این است که ما همه دانشگاه‌ها را به سمتی برده‌ایم که مثل هم حرکت می‌کنند یعنی دانشگاه‌ها باید

مأموریت های استانی داشته باشند مثلاً" اگر شما به چهار محال بختیاری بروید او هم می خواهد با هیئت علمی اندک خود در همه رشته ها دکترا بگیرد. یعنی همان رشته های که دانشگاه تهران یا دانشگاه شریف می گیرد. دانشگاه های ما مأموریت های مشخصی ندارند. اگر می خواهید رتبه بندی کنید حداقل کاری که می توانید انجام دهید این است که ابزارهایی را در اختیار بگیرید که دانشگاه ها را به سمت و سوی خاصی هدایت کنید. دلیلی ندارد که دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه صنعتی شریف داشته باشیم و همه یک کار دارند انجام می دهند. دلیلی ندارد که این ها جدا باشند می توانند یک دانشگاه باشند. وقتی مأموریت های متفاوت ندارند، کارکردهایشان یکی است، همه شان دانشجوی دکترا می گیرند، همه مثل هم، هیچ یک حوزه صنعتی مشخص ندارند، هیچ کدام مثلاً" دستاوردهای فناوری خاص ندارند. بنابراین ما حداقل دانشگاه هایمان را مأموریت گرا کنیم. خوشبینانه اش این است که سیاست هایی که در وزارت علوم اتخاذ می شود این باشد که این دانشگاه های دسته اول در این مأموریت حرکت کنند، این دانشگاه ها در این مأموریت. در دفتر گسترش که می نشینیم هر دانشگاهی که می آید با مطالعاتی که انجام می دهیم بگوییم که این رشته ها را به شما نمی دهیم. الان این طور نیست، دفتر گسترش فرمی دارد که می گوید فلان رشته اگر ۳ تا استادیار، ۲ تا ... بود این رشته را می دهد و کار ندارد که این دانشگاه در شهر کرد است یا در تهران.

بنابراین ایشان به رتبه بندی اصرار داشتند و من هنوز هم این اعتقاد را دارم که برای رتبه بندی باید هدف تعیین شود که چرا می خواهیم رتبه بندی کنیم. طبیعتاً اگر بتوانیم آن ها را احصا کنیم رتبه بندی یا حداقل سطح بندی می تواند به ما کمک کند که در تصمیم گیری هایمان یک کمی عاقلانه تر عمل کنیم. نه مثل شرایط حاضر که تقریباً" در یک سال گذشته که در شورای برنامه ریزی هستم، هر دانشگاهی که می آید بالاخره مجوز می گیرد، هر رشته ای، هر چقدر دانشجو بخواد می گیرد و ما ابزاری هم نداریم که کنترل کنیم چرا به این دانشگاه باید بدهیم، چرا باید به آن دانشگاه ندهیم. تنها ابزار ما تعداد اعضاء هیئت علمی و شاخص ها و این ها است. لذا ایشان اصرار داشتند که باید حتماً" این اتفاق بیفتد و شما هم بیاید و کمک کنید من هم گفتیم که خوب حالا اگر اصرار است حداقل این است که چون ما هم اگر کمک نکنیم ممکن است به سمت وسویی برود که این ارزشیابی هم یک مشکل دیگری برای دانشگاه ها بشود. بنابراین در اولین مرحله خدمت آقای داور رسیدم گفتیم شما که پیشکسوت هستید، آقای شریعتی عوض می شود. آقای میلی منفرد عوض می شوند ولی شما همچنان بوده اید این بحث های ارزشیابی و رتبه بندی در ایران در بیست سال گذشته چه کسانی این را دنبال کرده اند که ما حداقل از تجربیات این دوستان استفاده کنیم و بیراهه نرویم که در آن جا آقای دکتر بازرگان و بقیه دوستان را معرفی کردند. لذا ما در دانشگاه فردوسی آقای دکتر آهنگچیان را می شناختیم، چون همکار ما بودند و در این حوزه کار کرده اند. ایشان دو دوره نایب رئیس انجمن آموزش عالی بوده اند و در حوزه های ارزش یابی کار کرده اند. طرح آمایش آموزش عالی استان را در استان خراسان ایشان برای اولین بار مطالعه کرده اند که یک کار بزرگی در حوزه استان خراسان بود. ما فکر کردیم که این کار را با محوریت آقای دکتر و مشارکت دوستان دیگر مثلاً" آقای دکتر بازرگان و دیگران که پیشینه این کار را دارند و پیشکسوت هستند. می توان این کار را کمی سر و سامان داد که لااقل به یک جهت های برود که من خیلی خوشبین نیستم که بگوییم ۱۰۰٪، می گویم اگر بتوانیم ۱۰٪، ۲۰٪ امور را اصلاح کنیم بالاخره یک گام جلو هستیم. بنابراین اگر بتوانیم کمک کنیم که یک مقدار به جهت گیری های اجرایی وزارت علوم این کار در تصمیم گیری های مدیریت شان کمک کند، مثلاً" ما منابع مالی داریم، بین همه دانشگاه ها توزیع می کنند. مثل آبی می ماند که شما همه جا پخش می کنید و هیچ اثر بخش نیست. لااقل بگوییم که ما به این دانشگاه ها در نوآوری کمک می کنیم. سه تا دانشگاه به سمت نوآوری می خواهند بروند. بگوییم این دانشگاه ها مثلاً" در نظام های کیفیت، در مقایسه با دانشگاه های تراز خارجی کمک می کنیم. اگر بتوانیم این را به یک سمت پیش ببریم شاید یک بخش کمک کننده باشد. در عین حال دوباره معلوم نیست که تا نتایج این طرح بیرون بیاید آیا دکتر شریعتی ای هست یا این که کسی به جای ایشان هست که پایبند باشد و از این نتایج استفاده کند. ولی بالاخره همواره این نگرانی ها هست. اگر بخواهیم دست روی دست بگذاریم طبیعتاً" این درصد کم هم ممکن است اتفاق نیافتد. لذا من همیشه خودم فکر می کردم و فکر می کنم به عنوان کسی که کمی هم مدیریت کرده است همیشه به همه می گویم که ما به دنبال ایده آل نباید برویم. باید آرمان گرا باشیم ولی واقع نگر هم باشیم. حالا این اقتضائات جامعه ما، و این شرایط ما هست. ما باید شرایط را به گونه ای بکنیم که حداقل خطای مدیران را کم کنیم. چون بالاخره آقای دکتر شریعتی نامی که آمده است و دوست دارد که یک کارهایی انجام دهد. این کارها جهت دار شود، آفت ها و آسیب پذیری های آن کم شود، در این صورت باز هم یک گام به جلو هستیم. لذا ما یک طرح Draft اولیه آقای دکتر زحمت کشیده اند. با کمک دوستان ما در دانشگاه فردوسی و بعضی دانشگاه های دیگر هماهنگ کردند و Draft اولیه به عنوان چیزی که می خواهید قابل مطالعه باشد و نهایی نیست که مورد نظر باشد چون ما هرچه تلاش کردیم که بگویید که این را برای چه می خواهید که اگر ما رتبه بندی و یا سطح بندی می کنیم بدانیم برای چه این را انجام می دهیم، چیزی به ما ندادند. بنابراین ما براساس اسناد بالادستی که معمولاً" خیلی کلی است مثلاً" محور قرار بدهیم. تصور من براین است که مثلاً" شاخص هایی که جمع روی آن دفاع کرده اند، دانشگاه ها را رتبه بندی کنیم، آن هم نه همه دانشگاه ها، صرفاً" دانشگاه های دولتی، بقیه خرده نظام ها را ما در آن ها قصد مداخله و ورود نداریم. آن ها را سطح بندی کنیم و یا اگر هم می خواهیم رتبه بندی کنیم توی بعضی از شاخص ها صرفاً"، مثلاً" بگوییم که در نوآوری این دانشگاه ها هستند بنابراین حمایت های ما صرفاً" توی این دانشگاه ها می رود یا مثلاً" اگر می خواهیم مجوز دکترای جدید بدهیم به این دانشگاه ها می دهیم. که لااقل دانشگاه ها از این وضعیت آشننگی که داریم خارج شویم. چون مرتب داریم دانشجو تربیت می کنیم و همین منابع کمی که در آموزش عالی داریم، طوری هزینه می کنیم که واقعا" فاجعه است. الان شروع شده است ۶-۵ سال دیگر فاجعه پشت در خانه همه هست. همه با مدرک دکترا، کیفیت پایین و افسرده. خوب حداقل باید به این یک سمت و سوی دهیم و دانشگاهی که کادر و امکانات ندارند چرا باید این ها دکترا بدهند. حتی فاجعه بارتر این که ما در وزارت آموزش عالی گفتیم مراکز پژوهشی ملی، این ها هم الان دانشکده های بزرگ شده اند. یعنی در ۸ سال گذشته به این ها هم دانشجو دادند و الان به دنبال تربیت دانشجوی دکترا و فوق لیسانس هستند و یادشان رفته که این ها قرار بود که پژوهشگاه و پژوهشکده باشند. لذا اگر آقای دکتر و بقیه دوستان صلاح بدانند راهنمایی کنند که در یک زمینه ها و حوزه هایی خیلی با احتیاط و با تدبیر یک کاری کنیم که، نه یک خط کش برداریم و بگوییم این است ولاغیر، یک رهنمودهایی، حداقل چیزهایی که به آموزش عالی کمک کند که در این دوران ۴ ساله دولت بتواند تصمیمات پخته تر بگیرد.

دکتر فراستخواه:

ما نمی خواهیم این پنل به مجموعه گفتار ها ی مجزا تحویل شود. بلکه نگاه های متفاوتی بشود و یک Brain Storming اتفاق بیافتد در آن صورت این پنل می تواند خیلی راه گشا باشد. من یک سوال دارم و اینکه این کلمه "یا" نمی تواند گمراه کننده باشد؟ چون مرتب اشاره می کنید که رتبه بندی کنیم "یا" سطح بندی کنیم. در حالی که واقعا" این ها دو مقوله متفاوت هستند. همین که آقای دکتر بازرگان هم اشاره فرمودند کارهایی صورت گرفته است که به این تفاوت ها کاملاً" وضوح بخشیده اند. در نتیجه اول هر کار پژوهشی یک عنوان مشخص داشته باشیم. یک پروپوزال این که روی یک دلایل و شواهدی در واقع در یک مکانی بایستد و مثلاً" اعلام کند که من می خواهم سطح





بندی کنیم. اگر این باشد آن وقت دیگر آقای دکتر بازرگان فکر می‌کنم منحصر کردن این پروژه با ارزش به فقط مؤسسات دولتی بازهم نمی‌تواند اثربخش باشد. چون باید در این ۱۰ نظام ما بتوانیم کارمان را انجام دهیم. این که از نظر واقع بینانه بودن فرمودید در حد یک دانش آموز می‌فهمم، ولی بعضی کارها هم هست که اگر با یک نگاه جامعی صورت نگیرد، یا همه یا هیچ است. بعضی از اتفاقات هست که متأسفانه یا همه یا هیچ است. یعنی پروژه ای است که اگر بخواهید بررسی کنید وارد حوزه کلاسیک بشوید، اولاً "Ranking نیست دیگر، چون در دنیا Ranking یک چیز است و Classification یک چیز دیگر. این ها متفاوت هستند. اصلاً" اولین مشکل در Ranking این است که باید میان همگن ها Ranking بکند. در حالی که فرض شما این است که مأموریت های متفاوت دارند، نا همگن هستند، آقای دکتر خیلی تقلیل دادند ۱۰ تا را عنوان کردند تازه دولت هم می‌خواهد رتبه بندی کند، وزارت علوم هم می‌خواهد رتبه بندی کند. خانم دکتر هم فرمودند که یک اداره کلی در شورا انقلاب به وجود آمده است. سوال من از جلسه این است که اصلاً این ها چقدر مؤثر خواهد بود. آیا این دولت در این سی و چند سال چقدر بر جامعه تسلط داشته است. این دولت به رغم تمام هزینه های تمرکزگرایی که داشته است نتیجه آن یک آناشسیسم شده است. الان در جامعه هرج و مرج است با این همه هزینه های سیستم متمرکز به کجا رسیده ایم که با Ranking بخواهیم متمرکز بکنیم. من تصور می‌کنم که آن دیوان سالاری ای که خانم دکتر فرمودند که می‌توانیم از بروکراسی به دموکراسی برسیم، در یک بروکراسی نوع آسیای شرقی است که مثلاً یک زمینه هایی وجود دارد، یک دولتی است که بروکراسی است و حسابی به دنبال توسعه است دیگر دنبال چیزهای دیگر نیست. در کره یک دولت است که می‌گوید ببینید من با یک بروکراسی به دنبال توسعه هستم. اما در ایران این چنین دولت کارآمدی که بتواند از طریق بروکراتیک مسائل را حل کند، تصور می‌کنم که محل بحث دارد. سوال من این است که عنوان کار از ابتدا مشخص شود. یعنی اگر رتبه بندی است ما در فضای رتبه بندی درباره آن صحبت کنیم، اگر دو بزرگوار به این نتیجه رسیده اید که سطح بندی مهم تر است، آنوقت در قالب سطح بندی بحث شود. ابهام در عنوان ممکن است بحث ما را یک مقدراً مبهم کند که نتوانیم نتیجه مشخصی بگیریم.

دکتر باقری :

قبل از این که آقای دکتر صحبت کنند من یک نکته ای را مطرح کنم، ببینید چون خودمان نمی‌دانیم که وزارت علوم به دنبال چه چیزی هست، بنابراین بحث سطح بندی را هم مطرح کردیم. گفتیم تصمیم گیری را به عهده وزارتخانه بگذاریم. چون وقتی کسی کاری را سفارش می‌دهد باید بداند که چه می‌خواهد. استنباط ما این است که وزارتخانه هم صرفاً براساس بند قانون برنامه پنجم که یک تکلیف است می‌خواهد این تکلیف را انجام دهد، در آن رتبه بندی گفته شده است ولی در گفتگوهایی که با آقای دکتر شریعتی داشتیم، شاید سطح بندی بیشتر مورد نظر ایشان باشد که حداقل در یک تصمیم گیری هایی بتواند به آن ها کمک کند. بنابراین ما عنوان آن را رتبه بندی گذاشتیم ولی این بحث هنوز باز است که بنیم آن ها واقعا چه می‌خواهند و بر اساس رهنمودهایی که دوستان می‌دهند کدام یک، کدام مسیر بهتر است. ولی همان نکاتی را که گفتید هست، ما هم مثل شما فکر می‌کنیم بخصوص نکته ای را که آقای دکتر گفتند که تا هدف روشن نباشد خیلی از این ها ممکن است واقعا به جایی نرسد.

دکتر بازرگان:

ببینید ما باید اول وژگان مان را یکسان کنیم. سطح بندی یک چیز است، رتبه بندی یک چیز است، Classification یک چیز کاملاً متفاوت است، وزارت علوم است، اداره ثبت اسناد نیست، وزارت صنعت و معدن نیست، یعنی آدم اصلاً متأسف می‌شود و با این صحبت ها می‌بینیم که باید سکوت کنیم و فقط شنونده باشیم. آقای دکتر اگر آقای دکتر شریعتی این جا بودند می‌گفتیم که شما که دستوردهنده هستید و به اصطلاح طرح را دستور داده اید خوب روشن کنید. سطح می‌خواهید ببینید خیلی خوب، رتبه می‌خواهید ببینید، رتبه یعنی رتبه ۱ تا ۱۴۶، دیگر دروغ هم ندارد و ۱۴۶ می‌مشخص است. سطح می‌خواهید ببینید می‌گویید سطح این این جا است، سطح آن دیگری هم این جا. Classification کنی می‌گویی براساس یک ضوابطی، با توجه به هدفی من این ها را دسته بندی و تقسیم می‌کنم به خوشه ها، که از نظر آماری این ها معنی می‌دهد.

دکتر نورشاهی :

ما می‌خواهیم همین ها را بگوییم، و گوش شنوا هم هست، کما این که من یک جمله در آن جلسه گفتم، به ایشان گفتم که آقای دکتر شما خودتان می‌دانید چه می‌خواهید؟ روی رتبه بندی بحث های زیادی هست، شما تا سطح بندی نکنید تا ارزیابی کیفیت نداشته باشید تا فلان نباشد به رتبه بندی نمی‌توانید برسید. این را که گفتیم به آقای دکتر باقری گفتند که ... یعنی می‌خواهیم بگوییم که گوش می‌دهند.

دکتر باقری :

نه قبل از آن هم چیزی که مطرح بود سطح بندی بود. این درخت اولیه بود که ما تهیه کردیم و در گفتگوها به این نتیجه رسیدیم که سطح بندی بهتر است.

دکتر مقصود فراستخواه :

حیف است با این زحمتی که شما می‌کنید، با سطح بندی می‌تواند هدفمند تر شود، و یک ارزش افزوده ملی داشته باشد. الان من فکر می‌کنم که اختصاص به نظام دولتی هم می‌تواند همراه کننده شود. آن ده نظام را اگر گسترده است می‌توان چند فاز کرد و در اول کلیات را برای آن انجام داد. حالا خانم دکتر هم با توجه به تجربیات خود در شورای انقلاب فرهنگی، کمک کنند. و به قول خودشان سال هاست که آن جا را با چنگ و دندان نگه داشته اند، تجربیات خود را از آن جا می‌فرمایند. آقای دکتر هم که زحمت کشیده اند و تشریف آورده اند هم در حوزه مرکز نظارت و ارزشیابی هستند کمک کنند که یک نگاه حرفه ای روی این مسئله پیدا کنیم که واقعا "جسارتا" آقای دکتر شما هم هیچ وقت مایوس نبودید الان هم مایوس نباشید. این ها تدوین خواهد شد و به عنوان اسناد برآمده از نظر خبره ها تدوین و به دانشگاه ها ارسال خواهد شد و انشالله در فضای عمومی آموزش عالی منتشر خواهد شد. و این کمک می‌کند به ابهام زدایی و این که چند تا تفکر، و تجربه انباشته انشالله در این جا جمع بندی شود.

دکتر محمد رضا آهنچیان :

تشکر می‌کنم از کسانی که برگزار کننده این نشست هستند حالا به عنوان پتل آینده پژوهی و هر عنوان دیگری، تا این جا که خیلی خوب پیش رفته است و من مسائلی که در ارتباط با عواملی که مطرح شد که می‌تواند شکل دهنده آینده باشد من فکر می‌کنم که در همان موارد دهگانه ای که شما محبت کرده بودید. بحث هویت یابی دانشگاه ها در شرایط Postmodern هست که ما بگوییم که دانشگاه ها به این عنوان از خودشان دفاع می‌کنند که دانش تولید و توزیع می‌کنند، دانش گسترش می‌دهند. در حالی که نظام های خیلی متعددی در شبکه به اصطلاح جهان گستر اینترنت وجود دارد و در خودش دانش تولید می‌کند، توزیع می‌کند و ... هویت دانشگاه را زیر سوال برده اند. به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال که من چیستم؟ یا کارکرد من در این عالم چیست؟ دشوار شده است.



یک چیزی که کیفیت می تواند خیلی در آن متجلی باشد و به عنوان خروجی در نظر گرفته شود این است که دانش آموخته ما پس از طی این دوره از چه توانایی هایی برخوردار شده است که قبل از ورود به نظام آموزش عالی فاقد آن ها بوده است. به نظر می آید که شاخص آن می تواند این باشد که آیا دانش آموخته ما مورد توجه بازار هست یا متقاضیانی برای او وجود دارند یا خیر؟ یک بازار جهانی برای او در نظر بگیریم، بالاخره داخل همین نظام آموزش عالی ای که نسبت به آن انتقادات به شدت جدی ای داریم می دانیم که خیلی از دانشگاه ها از سازمان های بزرگ و موفق دنیا به دنبال دانش آموخته های موفق ما هستند و این را کتمان نمی توان کرد. من در همین دوره فرصت مطالعاتی که در سال ۹۳ تمام شد. در دانشگاه تورنتو بودم در آن جا همسایگانی در محل زندگی مان داشتیم که ایرانی بودند، خوب دانش آموخته رشته معماری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بود. یک دختر خانم جوان ۲۸ - ۲۷ ساله خیلی موفق و خیلی خوب، و در واقع در شرایط رقابتی بسیار سختی که دنیا با معضل بیکاری روبرو هست کار خوبی پیدا کرده بود و آدم موفقی بود. حالا سهم دانشگاه در موفقیت این خانم چه بوده است؟ که آدم موفقی بوده است. اگر سهم دانشگاه مشخص شود آن وقت می توانیم بگوییم که چه اندازه دانشگاه کیفیت داشته است که ایشان توانسته اند در یک بازار رقابتی جهانی آدم موفقی باشد. به نظر می آید که ما با یک نگاه انتقادی درست داریم وارد جریان می شویم. به نظر من قبل از آن خیلی مهم است که ما به این موضوع هویت و سهم آموزش عالی از تربیت دانش آموختگان به عنوان یک نمادی از این که آیا آموزش عالی در کشور ما توانسته است موفق عمل کند یا خیر؟ یک نگاهی به این ترتیب داشته باشیم.

به هر حال این چیزی است که قبلاً هم وجود داشته است و اسم آن را مبنای شهودی درک جامعه از شهرت و اعتبار یک دانشگاه بوده است بگذاریم. رتبه بندی وجود نداشت اما همه می دانستیم دانشگاه تهران، دانشگاه تهران هست، دانشگاه شریف هم دانشگاه شریف است، بدون این که مبنای شاخصی برای آن گذاشته شده باشد و چیزی به عنوان رتبه بندی، سطح بندی و این ها وجود داشته باشد. می توانیم بگوییم که کیفیت خودش را عرضه می کند یعنی خودش را نشان می دهد حالا در قالب آن چه که در جامعه به وضوح می بینید یا آثاری که از آن خارج می شود. من در ارتباط با فرمایشات اساتید محترم در این جلسه می خواهم این را خدمت شما عرض کنم که به این قضیه صفر و صدی نگاه نمی کنیم. رتبه بندی مطلقاً بد نیست هم چنان که بر سرش سوگندی یاد نکردیم. من این جا یادداشت هایی دارم مثل این که رتبه بندی می تواند با چه قرائت هایی دیده شود.

رتبه بندی به عنوان تنظیم بازار؛ بازار آموزش عالی؛ رتبه بندی با عنوان جهانی شدن؛ رتبه بندی با عنوان ظهور جامعه ممیز؛ جامعه ای که می تواند بین خوب و بد تمیز دهد؛ رتبه بندی به منظور خلق هویت نهادی شده آموزش عالی و رتبه بندی به عنوان نشانه جامعه دانش بنیان.

به هر کدام از این روایت ها یا قرائت ها که وارد شویم رتبه بندی می تواند توجیهی داشته باشد که البته این ها در پروپوزال وجود ندارد. از رتبه بندی دفاع نمی کنم، به هیچ وجه، ولی نمی خواهم آن را برانم فقط این که رتبه بندی اگر صحیح انجام شود مثل خیلی چیزهای دیگر که می گوئیم اگر صحیح انجام شود می تواند امتیازاتی داشته باشد. از جمله امتیازات آن این است که مخصوصاً برای مشتری، البته ایرادی هم که به آن گرفته می شود این است که خیلی ساده سازی می کند Over Simplify انجام می دهد، اما در عین حال می توانیم بگوییم که خیلی نمادین داده هایی را در اختیار مشتری قرار می دهد که مشتری لزوماً این نیست به عنوان کسی که داوطلب انتخاب رشته است و مطمئن نیست که دانشگاه فنی تهران را باید قبول کند یا فنی شریف را، که البته به عنوان یک چیز ساده شده، که این در درون خود یک ایرادی هم دارد که کمیت های ساده ساز که قاعدتاً ممکن است اطلاعات کیفی را در دل خود حل کرده باشد یا نادیده گرفته باشد. در عین حال می تواند به عنوان یک قیمتی یا ارزشی برکالای ما که آموزش عالی ساده شده یا تولید شده توسط یک بنگاه، مثل دانشگاه X یا Y هست به مشتری کمک کند. می تواند تحریک تحول یا تغییر کند البته اگر بتواند تحریک درونی را داشته باشد با این عنوان که من چرا باید دوم باشم، من چرا باید چهارم باشم در حالی که دانشگاه های دیگر از من یک رتبه بالاتر است احساس نمی کنم از آن پایین تر هستم. این ها بالقوه های رتبه بندی هست، لزوماً رتبه بندی به این چیزها منجر نمی شود ولی بالقوه این استدلال را دارد، مخصوصاً در پیاده سازی یک راهبرد یا سیاست هست. که اگر روی این خوب برنامه ریزی شده باشد دوست دارم مخصوصاً در این قسمت نظر اساتید بزرگوار حاضر در جلسه را بدانم. این که مستحضر هستید که انواع نظام های رتبه بندی در دنیا وجود دارد. معمولاً براساس پژوهش حرکت کرده اند اما انتقال دانش، بحث آموزش، بحث روابط بین الملل، بحث پیوند با جامعه و امثال آن ها که در دل آن قرار می گیرد اگر به عنوان یک رویکرد نظام آموزش عالی ما، که وزارت بفهمد که چه می خواهد. می تواند در این که ما بگوییم یک راهبرد را به کمک رتبه بندی پیاده می کنیم، کمک کننده باشد. یک نظام رتبه بندی وجود دارد که معروف نیست، که خاستگاه آن کشور مالزی است محور رتبه بندی را بر محیط زیست قرار داده است. این جا اطلاعات آن دارم و اساتید محترم همه به آن دسترسی دارند، این خیلی کمک کننده است که یک کشوری مثل مالزی می خواهد به محیط زیست خود (البته رتبه بندی ما مصرف داخلی دارد) در یک بازه X ساله بها دهد. فرض کنید مثلاً میان مدت ۵ ساله و می گوید من با شاخص محیط زیست از شما می خواهم در عملکرد دانشگاهی خود به این نکات توجه کنید. می توانیم فرض کنیم که دانشگاه های مالزی در سیاست گذاری، هدف گذاری، تنظیم برنامه ها، انتخاب رشته ها و برنامه درسی تحت تأثیر خواست نظام مرکزی، این که متولی کیست؟، قرار خواهد گرفت و خود به خود به آن سمت حرکت خواهد کرد که اگر رشته علوم اجتماعی را هم می خواهد توسعه دهد با نگاه به محیط زیست و در واقع توسعه سبز باشد، اگر می خواهد مهندسی خاک یا مهندسی عمران را هم گسترش دهد در همین مسیر باشد. من فقط عرض می کنم که رتبه بندی یکسره بد نیست می تواند آثاری هم داشته باشد منتها خواهش من این است که اگر اساتید محترم با هدایت جناب آقای دکتر فراستخواه مورد نظر باشد این که نسبت به ارزیابی، رتبه بندی، موضوعی که می تواند مورد توجه قرار بگیرد چه چیزی هست و در واقع این که ما اگر ارزیابی را به سمت و سوی کیفیت می توانیم داشته باشیم بگوییم که رتبه بندی در این جا، کجا قرار می گیرد. به این معنی که شاید محل بحث جدی هم هست از جهت این که ما بدانیم که حداقل با نگاه تخصصی در سطح این نسبت تناسب این ها برای ما در سمت و سوی که به این پروژه خواهیم داد تعیین کننده خواهد بود. نکته آخر این که به هیچ وجه این کار انحصار و اختصاصی نبوده و نیست.

دکتر ملک محمدی

چند نکته را می خواستم خدمتتان عرض کنم. در قانون وزارت علوم و فناوری، وزارتخانه مکلف شده است که ارزیابی کیفیت کند و بعد هم در برنامه پنجم بند " و " ماده ۱۵ به طور جدی روی آن تأکید شده است و بعد هم به رتبه بندی پرداخته است و حالا آن مواردی را هم که آقای دکتر بازرگان فرموده اند همه این ها هم آمده است. ارزیابی جامع عملکرد، رتبه بندی، ارزیابی کیفیت می خواهد منتها در نهایت برای چه؟ ای کاش شورای عالی انقلاب فرهنگی کمی مراعات بکند، یعنی این بحثی را که الان به طور جدی مطرح است، واقعاً چرا اختیارات وزارت علوم در جاهای مختلف پخش شده و هیچ کس هم در نهایت پاسخگو نباشد یعنی پراکنده کردن این اختیارات نهایتاً به این می انجامد که وزارت علوم هم به جایی نرسد. کاش به این سمت برویم که بحث بروکراسی را هم تمرین کنیم، یعنی خود شورای عالی انقلاب فرهنگی حداقل یک نگاهی به قانون مجلس داشته باشد که این تکلیف جزء تکالیف خود وزارتخانه است.

حالا این که بحث رتبه بندی واقعاً چیست؟ البته اگر دو اتفاق بیافتد من امیدوارم به دنبال این برویم که اگر هم می خواهیم رتبه بندی کنیم با یک هدف مشخصی این را انجام دهیم. یکی این که انشالله این پول نفت قطع شود، که تکلیف همه روشن شود. الان پول دولت وارد دانشگاه ها می شود و کسی به دنبال رتبه نیست. ارتباطات است که کارها را انجام می دهد. این که کدام دانشگاه چه رشته ای، چند دانشجوی دکترا بگیرد و چقدر بودجه بگیرد به ارتباطات آن بستگی دارد. همه ما هم می دانیم سال ها هم هرچقدر داد

زديم هيچ تأثيری نداشت. دومين اتفاق هم تعاملات بين المللی است. اميدوارم که يک نيم نگاهی هم به دنباي خارج داشته باشيم و مجبور به تبادل با دنبا باشيم، آن وقت انشالله اگر اين دو اتفاق بيافتد شايد بحث رتبه بندی يا هر چيز ديگر ارزشیابی کیفیت به سرانجام خوبی برسد.

اين که در داخل وزارتخانه نمی دانيم چه کاری انجام می دهيم هم يکی از مشکلات است. اين بحث وجود دارد که چرا وزارت علوم يک معاونت برنامه ريزی و نظارت ندارد؟ البته الان مرکز نظارت و ارزشیابی آموزش عالی خوشبختانه تصويب شده است و سطح آن هم ارتقاء پيدا کرده است و از حوزه آموزشی به حوزه وزارتی رفته است. قرار هم هست که کل مجموعه آموزش عالی را ارزشیابی کند. ولی چرا هنوز يک عزمی در اين نيست؟ يعنی اگر قرار باشد اين صحبت را داشته باشيم که چرا آقای دکتر شریعتی به اين بحث می خواهد ورود کند؟ اگر قرار است اين اتفاق بيافتد، معاونت پژوهشی هم همين کار را می خواهد انجام دهد. معاونت فرهنگي هم همين طور. همان وضعیتی که قبلاً هم داشتيم يعنی هربخشى دوباره می رود ارزشیابی و نظارت خودش را انجام می دهد. اين اتفاقی که افتاده است يعنی يک مرکز نظارتی در حوزه وزارتی متولی اين امر شود و بر کل آموزش عالی و سازمان های وابسته به دانشگاه ها نظارت داشته باشد و ارزشیابی کند اگر انشالله بفهميم که به دنبال چه چیزی هستيم، اين يک اتفاق خوبی است ولی اگر قرار باشد که باز هر کسی به سمت و سوی خودش برود. به نظر من همين قدمی هم که برداشته شد دو سال ديگر برمی گرديم و می بينيم که بدتر از اول شده است.

دکتر مهرنوش بازارگادی

شورای عالی انقلاب فرهنگي از بابت دستيابی به اهداف نقشه جامع علمی کشور، از اين بُعد در زيرمجموعه هایش يکی از کارهايش رتبه بندی است. يک مقاله ای چند سال پيش با چند نفر از همکارانم انتشار داديم، هفت نهاد در کشور هستند که کار نظارت و ارزشیابی دانشگاه ها را مدعی هستند و انجام می دهند، که هيچ کدام آن ها هم به درستی کار نظارت و ارزشیابی را به انجام نمی رسانند. از سازمان بازرسی کل کشور، دفتر ارزشیابی و نظارت وزارت علوم، کميسيون اصل ۹۰، مجلس و معاونت فناورى و غيره. من با مستندات خدمت شما عرض می کنم که کارشان را درست انجام نمی دهند. حتی هيئت نظارت در شورای عالی انقلاب فرهنگي، خود در دو قسمت کار نظارت و ارزشیابی آموزش عالی را انجام می دهند، که يکی آقای دکتر غفوری برای بازرسی است و يکی هم همين قسمتی که من عرض کردم يعنی در خود آن نهاد دو قسمت وجود دارد. به غير از ۷ نهاد ديگر. که تک تک اين ها را ما از بُعد وظيفه مقايسه کرديم و با مواردی که برای ارزشیابی کیفیت حائز اهميت است سنجيديم به همين دليل است که می گويم نهايتاً هيچ کدام ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی را نمی سنجند و اين حرف با مستندات است و در حد حرف نيست. پس به اين صورت يعنی در بُعد نقشه جامع آن ها کارمی کنند و هر جا هم شما بفرايميد می گویند نه، ما اين کار را نمی کنيم ولی شما در زيرمجموعه که وارد شويد هر يک به شکلی اين کار را انجام می دهند

ما اول بايد به زيرساخت ها اهميت بدهيم يعنی با تجربه ای که من ۱۶ - ۱۵ سال به طور مستمر در هيئت نظارت کار کرده ام درحال حاضر آن تبديل به معاونتی است که کارش تحقق بخشيدن به نقشه جامع علمی کشور است. نبايد اين طور باشد که يک سری تجربه، ۱۵ سال مدام دغدغه من ارزشیابی است چون رئيس بخش ارزشیابی آموزش عالی بوده ام. امروز سامانه الکترونیک در اختيار ستاد راهبردی اجرای نقشه جامع علمی کشور است. پس من فکر می کنم زيرساختها حايظ اهميت است به طور مثال ما آمايش آموزش عالی را لازم داريم يعنی کجا چه چیزی لازم دارد؟ اگر دانشگاه فلان در کهکيلويه بايد توسعه پيدا کند، اگر مأموريت های خاصی ندارد، مگر ۱۰ دانشگاه ديگر هم همان رشته و همان وضعيت را ندارند؟ پس اين نياز به آمايش آموزش عالی دارد که حتماً بايد براساس همان آمايش سرزمين ها صورت بگيرد.

نکته ديگری که باز به ذهن من می رسد اين الزام به کیفیت بايد در قوانين مورد توجه قرارگيرد، دستوراتی که وزارت علوم را الزام کند به اين وظيفه را دارد در قبال آن پاسخ گو باشد. آقای دکتر مشکل عمده ما اين است که ما **Responsibility** داريم و به بالاسری خود جواب می دهيم ولی **Accountability** نداريم که بايد به جامعه جواب پس بدهيم. در دانشگاه ها ما اين را نداريم. به همين دليل است که همه ما می دانيم در کشورمان عملاً وارد هزاره سوم دانشگاه ها نشديم. پس اگر ما می خواهيم به کیفیت پاسخ دهيم بايد قانون ما را ملزم کند. من در دانشگاه شهيد بهشتی يک زمانی مسئوليت دانشکده ای را داشتم، يک سناریوی واقعی را برای شما تعريف می کنم، روز اول آمد چهار تا معاونت در آن زمان بود وضع موجود را گرفتيم و روی CD نگه داشتم، تقريباً بعد از پنج سال روزی که می خواستم از آن دانشکده خارج شوم دوباره يک CD درست کردم. گفتيم می خواهيم صحبتی بکنم و بگويم که چه طور آمدم و چه طور می روم. اگر اين ديوار گفت که بازرگانی تو می توانی جواب بدهی مسئولين هم جواب دادند. ببينيد ما در گزارشاتمان که نايد گزارش با به به و چه چه بدهيم و از بالادستی خود تعريف کنيم. ما بايد توسط وزارت علوم، توسط جایی مثل مجلس، جایی که قانون گذار است، جایی که قوه مجریه است ملزم شوم به اين که چه طوری آمدم و چه طوری رفتم. شما که دفتر نظارت و ارزشیابی هستيد ملزم شوم که بگويد چه چیزی به دست آورديد. اولين پژوهش من در سال ۷۷ بود که به دنبال نظارت و ارزشیابی دانشگاه ها رفتم. خدمت آقای دکتر بازرگان در وزارت علوم آمدم و الگوی اعتباربخشی را دادم. تا آن زمان ما هيچ مستنداتی غير از نوشته های آقای دکتر درباره اعتباربخشی نداشتيم يعنی در مصاحبه هایی که می کردم از هر ۱۰ استاد ۹ اين را زياد نمی شناختند. ولی تا امروز که چند سال از سال ۷۷ می گذرد من به شما می گويم در اين روند چرا جلو نرفتيم؟ اين به نظر شما آیا نااميدکننده نيست؟ اين به نظر عدم زیبایی نيست که مثلاً ۲۰ سال، ۲۵ سال بدود ولی به نتيجه نرسد؟ ولی خودش را متعهد بداند و باز هم اميدواری به خرج دهيم.

نکته ديگر، بعد از قوانين و الزام به کیفیت به نظر من يک سيستم پاسخ گو است که اين به صورت خیلی رسمی و قانونی در قانون به عنوان وظيفه اش تعريف شود. بعد تعيين کردن متولی اصلی که در قانون می آيد وزارت علوم حالا می آيد متولی اصلی مثلاً دفتر نظارت و ارزشیابی. پس متولی اصلی بايد معلوم شود و يک نهاد ملی هم برای ارزش يابی کیفیت تعيين شود. يعنی در بحث کیفیت يک شبه نمی توان ره صدساله برويم. ما برای کیفیت پلکان داريم. در تمام دنبا هم همين اتفاق افتاد اگر شما به تاريخ کیفیت نگاه کنيد ما اول بحث بازرسی را داشتيم، بعد بحث کنترل، سپس بحث **Quality Assurance** را داشتيم، بعد **TQM** و بعد به مدل های تعالی سازمان رسيديم. اين طور نيست که ما يک دفعه به کیفیت برسيم.

در سناریو ها به نظر می رسد که بايد اول در سناریوی ۳ قدم بگذاريم و در ۳ پيش برويم، يعنی همان چیزی که ۲۵ سال پيش استاد بازرگان گفتند. ارزشیابی درونی ها انجام شود و اين ارزشیابی نهادينه شود، ارزشیابی های بيرونی توسط دولت انجام شود ولی سازمان ها بتوانند شاخص های خود را مطرح کنند و آن نهاد ملی شاخص ها را به تصويب برساند. بعد ما بحث های بين المللی هم داشته باشيم. اگر به ياد داشته باشيد ما در يک مقطع زمانی يک مقدار دست ما باز شد و دانشگاه ها داشتند در اين مسير حرکت می کردند. ما در دانشگاه علوم پزشکی شهيد بهشتی در يک مقطع زمانی (من فکر می کنم دو دوره قبل بود يعنی زمان آقای دکتر خاتمی بود) بحث های بين المللی ما خیلی وسعت گرفت. قرار نيست که ما دائم بدويم بعضی وقت ها هم بايد بايستيم و ببينيم که چه کار کرده ايم) و همين بين المللی ها در همان مقطع کوتاه توانست خیلی کارها برای ما بکند. باورکنيد که من حداقل ۴ مقاله در سال در کنگره های بين المللی را از دست می دهم، برای اين که استحقاق مالی کافی را ندارم که آن ها را ارائه بدهم و دانشگاه، در دانشگاه علوم پزشکی که اين طور است که تمام و کمال اين کمک را نمی کند. می گويد ما **Grant** به مقاله مکتوب شما می دهيم شفاهی برای ما زياد ارزش ندارد. پس ببينيد همه اين ها به هم وابسته است.





قدم گذاشتن در بحث کیفیت پلکانی است. ما باید نهادهای Parallel را حتی سهم بندی کنیم، اگر هم می خواهیم که کار را از آن ها نگیریم. بگوییم تا نقطه B مال تو است، از B تا مال C تو است، از C تا D کار نهاد دیگری است. به این صورتی که الان هست که داخل هم کار می کنند و آخر هم نتیجه بیاید که هیچ یک کار ارزیابی را انجام نمی دهند. از آقای دکتر فرستخواه تشکر می کنم مثل همیشه با آینده نگری داشتند، در همه مقاله ها و کارهای ایشان من رد پای دغدغه هایشان را می بینم، انشالله که موفق باشند. ولی به نظرم می آید که اول قدم در سناریوی ۳ بگذاریم و بعد در سناریوی ۴ و باید فراتر از ۴ قدم بگذاریم. یعنی آن چیزی که در توسعه راهبردی مان حداقل در شاخه آموزش عالی مطرح هست که در منطقه بتوانیم چیزی باشیم حتی از سناریوی ۴ فراتر است.

دکتر فرستخواه:

قبل از این که آقای دکتر منیعی صحبت بفرمایند من عرض می کنم که دو افق برای ما گشوده شد. یکی افق آینده مطلوب، محتمل و ممکن که به نحوی روی آینده محتملی که می شود درنگ بیشتری کرد با سناریوی ۲. یک افقی هم که خانم دکتر فرمودند نکته بسیار بدیعی بود. سناریوی ۳ یا هر چیزی که صحبت می شود با تقسیم کار مجدد ملی، یعنی ایشان این طور می فرمایند که الان به هر حال متولیان وجود دارند شاید ممکن ترین کار این باشد که تقسیم کار مجدد ملی کنیم و بگوییم که این متولی این بخش را در این سطح و متولی دیگر بخش دیگری را در این سطح انجام دهند. بتوانند با یک هم گرایی یک نوع یکپارچگی حداقلی در کشور ایجاد کنند که حداقل معلوم شود کدام بخش کار را کدام متولی انجام می دهد که دیگر قانون و این ها که اشاره فرمودید.

خواهش من این است که لطف کنید کمک کنید که بشود احتمالات موجه را برای ارزش یابی آموزش عالی تصور کنیم که برای آن Justification، وجاهت، اعتبار علمی دارد. و بعد این ظرفیتی که آقای دکتر آهنگیان و آقای دکتر باقری زحمت کشیدید و این مسئولیت پژوهشی را به عهده گرفتید، ای کاش آن را هم دوباره باز تعریف بفرمایید، براساس کمک به این سناریو یا آینده ای که شما استادان فکر می کنید می تواند بهبود بخشید ولو یک قدم، ولو یک مقدار (همان واقع بینی، همان پلکان خانم دکتر) ما را چند پله در ارزشیابی آموزش عالی جلو ببرد. و با نگاه نه فقط بخشی به معنای آموزش عالی، این هم نکته مهمی بود. یعنی به نگاه نظام علم و فناوری و آموزش عالی. صحبت آقای دکتر منیعی می تواند کمک کند که یک کمی به این مسئله نزدیک شویم. نیازی که این پل دارد این است که دوباره آقای دکتر بازرگان رهبری کنند این بحث را تا به یک آینده واقع بینانه مرجح نسبتاً مطلوب برسیم که می تواند ما را به تعبیر خانم دکتر سناریوی ۴ و حتی بالاتر از آن سوق دهد. در ذیل آن این کار پژوهشی هم باز تعریف شود یعنی در واقع توصیه پل است در واقع پل هیچ اختیاری در این حوزه ندارد ولی این پل می تواند کمک کند که خود محققان عزیز خواستند، دوباره این را با یک عنوان دقیق، با شرح خدمات دقیق، با سوال های پژوهشی مشخص، با راهبرد روش شناختی مشخص. واقعا یک Contribute خوبی داشته باشد. من واقعا خواهش من این است، شما که زحمت می کشید کاری کنید که به قفسه نرود و حداقل روی میز آقایان برود.

دکتر منیعی:

اگر بخواهم به طور خلاصه به این سوال که آیا رتبه بندی موجب کیفیت خواهد شد؟ پاسخ دهم، می گویم در این شرایط خیر. یعنی با توجه به شرایط فعلی نظام آموزش عالی کشور می گویم که این کمی به کیفیت آموزش عالی نخواهد کرد. چون در حال حاضر نظام آموزش عالی ما در یک شرایط خاصی است احساس می کنم که یک زمین بازی برای وزارت علوم توسط نهادهای دیگر تعریف شده است. که اصلاً فرصت تفکر، نوآوری و ابتکار را ندارد. بسیاری از کسانی که خود عامل و متقاضی گسترش آموزش عالی بوده اند هم اکنون وزارت علوم را مورد پرسش گسترش بی رویه و کیفیت قرار داده اند. بنابراین شرایط امروز آموزش عالی ما خیلی پیچیده است.

اشاره شد که یکی از مهمترین مشکلات تعدد مراکز تصمیم گیری و سیاست گذاری است، اگر بخواهیم کیفیتی حاصل شود در این کشور باید یک تصمیمی گرفته شود که نهاد اصلی و متولی کیست؟ دوستان همه به نوعی اشاره کردند. این تعدد مراکز تصمیم گیری و سیاست گذاری آفتی است که نظام آموزش عالی ما درگیر آن است و وزارت علوم هم که نقش کم رنگی دارد، مسئولیت هایی که داشته است دیگر از او گرفته شده است و نهادهای دیگر تصمیم گیری می کنند.

دومین مورد بحث تمرکز و عدم تمرکز است. این هم یک موضوع جدی و از عوامل مهم شکل دهنده است. ما از دانشگاه انتظار داریم کیفیت داشته باشد. این دانشگاه نه دانشجویش را خودش می گیرد، نه هیئت علمی خود را دارد، نه برنامه درسی خود را. بعد انتظار داریم که کیفیت هم داشته باشد. خوب یک حداقل هایی باید به دانشگاه ها اختیار داده شود. حداقل بتوانند در این موارد خودشان ابتکاراتی داشته باشند.

نکته بعدی شاید به نوعی اشاره شد، دانشگاه ها حساس به محیط نیستند. این خیلی مهم است. اصلاً برای دانشگاه مهم نیست که فارغ التحصیلش چه شد؟ کجا رفت؟ آیا جذب بازار کار شد یا خیر؟ حالا به نوعی آقای دکتر هم به تطابق پذیری اشاره کردند، نمی تواند خود را با شرایط وفق دهد این سیستم زنده ای نیست که سیگنال ها برود و بیاید و خود را اصلاح کند. چون نیازی به محیط ندارد، پول نفت هست و به قول شما. بنابراین وقتی به محیط حساس نباشد کیفیت هم برایش اولویتی ندارد. در رتبه بندی هایی که در جهان انجام می شود یکی از موارد آن پاسخ به جامعه است ولی در کشور ما برای دانشگاه ها این هم اولویتی ندارد.

نکته دیگری هم که آقای دکتر می تواند در عوامل شکل دهنده مورد توجه قرار بگیرد قوانین و مقررات است. الان یکی از آفت های ما این آیین نامه ارتقاء است. یعنی در آن کیفیت چه تعریف شده است چه انتظاراتی از یک هیئت علمی دانشگاه دارند. الان فقط انتظار دارند که هیئت علمی مقاله بدهد. دانشگاه ها یک نگاه چاپ مقاله شده اند که با مشارکت دانشجو انجام می شود. این هم می تواند مورد توجه قرار بگیرد.

خود وزارت علوم یا نهادهای علم و فناوری حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی و جا های دیگر نمی توانند این مسئله کیفیت را به تنهایی حل کنند. یک سری عوامل بیرونی هست که بسیار قوی، مؤثر و تأثیر گذار هستند. مثلاً نظام پرداخت کارکنان، استخدام و این ها. آن یک چیز خیلی مهمی است. یکی از عواملی که جهت می دهد که دانشجویان به دانشگاه ها می آیند همین مدرک گرایی است. در سازمان ها نگاه می کنند که من لیسانس کارم را بهتر انجام می دهم ولی آن دیگری فوق لیسانس است و بیشتر از من حقوق می گیرد خوب چرا من نروم و فوق لیسانس نگیرم. این جا فقط همان مدرک اهمیت پیدا می کند چون ارزشیابی سازمان، یا قوانین کشور می گویند که به فوق لیسانس این قدر بده و به لیسانس این قدر. الان عمده تقاضاهایی که برای آموزش وجود دارد ناشی از این است. ولی بخشی از آن ها به خاطر قوانین و مقرراتی است که خارج از وزارت علوم است و در حیطه ما نیست.



زیرساخت ها ، ما آیا حتی اگر بخواهد رتبه بندی هم انجام شود زیرساخت های لازم فراهم است ؟ یکی از آن ها نظام آمار و اطلاعات است . با آن شاخص ها و مواردی که مد نظر هست . حالا مؤسسه تلاش هایی کرده است ولی آیا این ها کفایت می کند ؟ مثلاً " همان ردیابی فارغ التحصیلان ، و این که اثر بخشی آموزش ها به چه صورت بوده است را ردیابی کند ؟ آیا چنین چیزی در کشور وجود دارد ؟ بنابراین احساس می کنیم که با این شرایط و مسائل و مشکلاتی که الان آموزش عالی با آن ها درگیر هست یک مقدار بحث از رتبه بندی نتیجه خوبی نخواهد داشت و منجر به کیفیت نخواهد شد . این برای شرایط کنونی ای که ما درگیر آن هستیم خیلی زود هنگام است .

و پیشنهادی هم که شد ، به نظرم آن سناریوی ۳ در شرایط کنونی هم نمی توان دولت را نادیده گرفت . دولت ، به عنوان " دولت دوست دانشگاه " سهمی داشته باشد ، نهادهای اولیه را پایه گذاری کند و بتواند کمک کند تا آموزش عالی را از وضعیت فعلی نجات دهد . حالا بعد ، رویکردها و سناریوهای بعدی می تواند مفیدتر باشد .

دکتر بازرگان :

من فکر می کنم آقای دکتر هم طرح را ارائه بدهند که ما در جریان قرار بگیریم ، من بخصوص اصرار می کنم که راجع به قول خودشان شاخص ها ، و به قول ما آمارچی ها عوامل را یک کمی توضیح بدهند.

دکتر فراستخواه :

آقای دکتر بازرگان اگر صلاح بدانید ، خواهش کنیم که حتی قرائت خودشان را بفرمایند . یعنی بفرمایید که این قرائت را دارید و می خواهید آن را دنبال کنید . یعنی قرائت خوبی که از رتبه بندی انجام دهید چیست ؟

دکتر آهنچیان :

بین رتبه بندی و سطح بندی آن خطی که می فرمودید انگار وجود دارد ، که خانم دکتر هم یکی از دشواری هایشان این است که بتوانند روشن سازی واژه ها را به یک فضای اجرایی مثل وزارت علوم . ولی این که آقای دکتر فراستخواه می خواهند که من قرائت خودم را بگویم ، مدل های مختلف نظام های رتبه بندی یک تلاش خیلی واحد و یکپارچه دارند که همه آن ها در یک زمینه مثل هم هستند و آن این است که بتوانند با اطلاعاتی که دستیابی به آن ها خیلی دشوار نیست و از منابع موثق و معتبر به دست می آید بتوانند به ساده ترین وجه در واقع به یک دانشگاه مدال طلا ، نقره و غیره بدهند . یعنی معمولاً " واقعیت ها به اطلاعات زنده و آن چه که دانشجو و استاد حس در دانشگاه می کنند ، مشتری لمس می کند مراجعه ندارند ، فرصتی هم ندارند و خواست آن ها هم نیست رتبه بندی می تواند مصرف داخلی داشته باشد ، می تواند مصرف خارجی داشته باشد و برود در آن جریانی که ما در زمین دیگری بازی می کنیم . با یک رویکرد استفاده داخلی ، یعنی برای مصرف کننده داخلی در واقع ما وارد این نظام شدیم و تأکید من این است که بتوانیم کمک کنیم تا وزارت علوم یک ملاکی برای تشخیص دانشگاه هایی که نیاز به کمک دارند . در واقع با این رویکرد که می تواند رویکرد مبتنی بر ارزش یابی با چشم داشت به تصمیم معین ، اتخاذ تصمیماتی که به بهبود کمک می کند . در این مسیر حرکت می کنیم و در نظام هایی که وجود داشت و در این طرح از آن الهام گرفته می شود . یک نظام رتبه بندی اتحادیه اروپا دارد که آخرین مرحله اش را در ۱۹۱۴ به اجرا درآورده است که در آن جا ۳ سبک رتبه بندی دارد . یکی Ranking انجام می دهد دیگری Mapping انجام می دهد و سومی Descriptive در واقع Evaluation انجام می دهد . چون مقیاس خرد ، در سطح داخلی و برای دانشگاه های دولتی است که توی آن ها با می تواند محدود به دانشگاه های معینی بشود . اگر بتوانیم این طرح را به آن سمت پیش ببریم که امکان دریافت اطلاعات زنده وجود داشته باشد . ما بتوانیم ببریم به سمت ارزشیابی توصیفی از واقعیت هایی که در یک دانشگاه وجود دارد می تواند خیلی کمک کننده باشد و آن انتقادی که به طور معمول که من گمان نمی کنم رتبه بندی منجر به کیفیت شود ، به نظر می آید که شاید اگر روش تغییر پیدا کند یا ما به نحو دیگری وارد شویم و اطلاعات دقیق و جزئی حتی بگیریم به این ترتیب نه در قالب ساده سازی به کمک کمیت ها و مقادیر بلکه به کمک توصیف واقعیت هایی که دارد اتفاق می افتد . که در خود U-multirank دانشجو مراجعه می کند یعنی دانشجو با آن Link است ، پسرود دارد ، وارد سیستم می شود و حس و تجربه زیسته اش را از واقعیت های کلاس های درس یک دانشگاه ، از فضای رفاهی ، از آموزش و کمک آموزشی اعلام می کند و این ها مبنای خیلی خوبی می شود . من در واقع خیلی جوگیر این سیستم و نظام نشدم . ولی خوب وقتی مقایسه می کنیم کاملاً تفاوت ها محسوس است . اگر بحث قوانین و مقررات باشد ، خانم دکتر نورشاهی ، حداقل دو ماده از برنامه پنجم توسعه از ما خواسته است که رتبه بندی کنیم .

دکتر بازرگان :

اصلاً خود آن هایی که گفته اند می دانند که رتبه بندی یعنی چه ؟ نمی دانند و این گرفتاری است دیگر یعنی تصور بر این است که کیفیت ، ما کیفیت می خواهیم .

دکتر آهنچیان :

یک نکته دیگر این است که آقای دکتر بازرگان در اسلاید نیامده است ، سند جامع علم و فناوری کشور یکی از چشم اندازهایش ، اهداف آرمانی اش این است که ۵ دانشگاه ایران میان ۱۰٪ دانشگاه های برتر جهان قرار بگیرد . مبتنی بر همین است دیگر آقای دکتر . در این مسیر هدف ها است که می گذریم ، آقای دکتر فراستخواه آن سوالات ویژه تحقیق هر کدام از این ها حالت استقهامی که پیدا کنند می تواند تبدیل به سوالات شود .

دکتر بازرگان :

ببخشید من فقط توضیح بدهم این ها تقریباً مفروضه هایی است که اعتبار ندارند . فراهم ساختن رقابت ، این کار این را امکان پذیر نمی کند . من هرگز کلمه ثابت را به کار نمی برم ولی این جا به کار می برم ، ما می توانیم ثابت کنیم که این به هیچ وجه اعتبار ندارد . خوب حالا یک چیزی شما می سازید که زیر آن شن است .

دکتر آهنچیان :

نگاه این است که بهبود و ارتقاء صورت بگیرد ولی این که آقای دکتر بازرگان لزوماً یک طرح در این سطح بتواند بگیریم که در مقیاس ۱۰۰ به ۱۰۰ نزدیک شود ، نه ، همان که اشاره فرمودند ، ما بتوانیم یک گام به پیش برویم در آن مسیر ، حالا قاعدتاً انتقادات حتماً مورد توجه هست ، ما می توانیم از طریق ارزیابی و ارائه بازخورد که " آینه ای در برابر من قرار دهید که خود را ببینم و براساس آن مرتب کنم . " می توانیم همان نسبتی که بین ارزیابی و رتبه بندی وجود دارد اگر بگویم این گذاره اعتبار دارد ، که بگویم برای رتبه بندی لاجرم ناگزیر از ارزیابی هستیم تا داده هایمان را در مقیاس هایی که تعریف شده هست به عنوان نتیجه یا رتبه اعلام کنیم ، یعنی به عبارتی از ارزیابی به رتبه می توانیم برسیم ، بگویم که این می تواند به من کمک کند که نقاط ضعف خودم را بشناسم و کمک کند که ارتقائی صورت بگیرد .

**دکتر بازارگادی :**

آیا با رتبه بندی می شود به این مهم رسید ؟

دکتر فراستخواه :

آقای دکتر منیعی فرمودند که زود هنگام است . خانم دکتر می فرماید آیا با این می شود رسید ؟ خود حضرتعالی هم فرمودید ارزشیابی درونی ، آن آینه آقای دکتر بازارگان ارزشیابی درونی است و بعد ارزشیابی درونی داوطلبانه انتقادی با دلبستگی از درون خود گروه ها ، بیابند آینه ای درست کنند و بعد به دیگران نشان دهند که نگاه کنید ببینید آیا ما خودمان را درست دیده ایم ؟ آن ها هم می آیند ارزشیابی بیرونی می کنند با دانشگاه ها و این ها که در همان سناریو ها مطرح شده است . حالا شما اگر کمک کنید که این ارزشیابی درونی و بیرونی منجر به یک نظام تضمین کیفیت ، اعتبارسنجی بشود و بعد شاید وقت به سطح بندی و چیزهای دیگر برسد ، و نهایتاً به رتبه بندی برسد . ولی این یک مقدار ، ممکن است به قول آقای دکتر بازارگان ، نتوانید به این برسید . این کار رقابت سازنده و این ها را فراهم بیاورد .

دکتر بازارگادی :

می خواهم ببینم که درست می فهمم یا خیر . وقتی که دانشگاه ها رتبه بندی می شوند ، حالا این روش های مختلفی دارد . مثلاً شانگهای که یکی از معروفترین ها است . چند دانشگاه را شما می توانید بگویید که به لحاظ هایی به هم مشابهت دارند که این ها را کنار هم بگذارید ؟ به اعتقاد من روش های جهانی ای که برای رتبه بندی هست مثلاً " اگر ما گزارش هورمن را در Ranking دانشگاه ها نگاه کنیم ، تا حدودی مناسب است برای این که دانشگاه ها را براساس یک سری شاخص های عمومی می سنجد . اما در دانشگاه های ما کارایی ندارد . شما دانشگاه تهران را در Ranking با دانشگاه مثلاً " چهار محال و بختیاری می توانید مقایسه کنید ؟ من اگر آن دانشگاه باشم می گویم این مطلب را قبول ندارم . پس می گویم که شما ناگزیرید که با یک سری شاخص های عمومی بسنجید ، مثلاً تجهیزات و وسایل . حتی هیئت علمی تان را نمی توانید بسنجید . برای این که عضو هیئت علمی که به دانشگاه تهران و شهید بهشتی می رود به دانشگاه چهار محال و بختیاری نمی رود . پس فقط شد فضا ، تجهیزات و وسایل ، وسایل سمعی بصری و غیره . آن وقت این کجا به کیفیت کمک می کند ؟ آیا می شود کیفیت را به این شکل سنجید ؟ کیفیت به نظر من این است که از این جایگاه بتوانم با مستندات علمی یک پله بالاتر بروم . فقط به لحاظ تکنیکی می خواستم این برای من یک کمی باز شود . این چه طور کیفیت را می سنجد ؟ به نظر من این را می سنجد که چه کسی شاگرد اول و چه کسی شاگرد دوم است ولی با این ارزشیابی ها نمی توانیم بگوییم که این سوادش یا آن علمش بیشتر است یا کمتر .

دکتر آهنچیان :

انتقادات خیلی جدی ای وجود دارد. من واقعا "مدافع رتبه بندی نیستم و البته مخالف آن هم نیستم . می گویم یک امتیازاتی دارد که ما بتوانیم آن امتیازات را بشناسیم و بالا بیاوریم . ولی یک روشی که وجود دارد. رتبه ۱ با ۱۴۶ در واقع در یک خوشه قرار نمی گیرد. در مدل پیشنهاد شده است و ظاهراً " آقای دکتر شریعتی هم در یک جلسه ای فرمودند در واقع دانشگاه های خوشه یک تا خوشه X مرتب کنید که دارای مأموریت های نه کاملاً " یکسان ، تقریباً " یکسان و به فرمایش شما زیرساخت ها ، منابع مالی یکسان که به اصطلاح این ها به عنوان شاخص های اولیه برای خوشه بندی باشد و بعد در دل آن خوشه بندی و رتبه بندی اتفاق بیافتد که آن جانب عدالت یا برابری که مورد نظر جنابعالی هست در نظر گرفته شود .

دکتر بازارگادی :

وزارت بهداشت چند سال پیش تیپ بندی دانشگاه هایش را انجام داد . تقاضایم این است که وقتی ما نگاه علمی داریم ، کارهای قبلی را نگاه کنیم . حالا دارای ۳ تیپ دانشگاه است. ببینید چقدر موفق بوده است ؟ وزارت علوم این کار را نکرده بود . وزارت بهداشت این کار را کرد بعد آن چه که شما می خواهید به آن برسید ، آن ۱۰ سال پیش انجام داد و رسید ، گفت حالا من می خواهم به کجا ؟ چه چیزی تزریق کنم؟ چه طور کمک کنم ؟ مثلاً " دانشگاه های تیپ ۲ ، هیئت ممیزه ندارد . ممیزه اش باید از تیپ ۱ در آن مشارکت کنند . این طور کارها را انجام داد . حالا چه قدر خوب است؟ ما کار علمی می کنیم ببینیم دیگرانی که چه خارج و چه داخل یک مسیری را رفته اند چه چیزی به دست آورده اند . این کلی جواب به ما می دهد که آن تیپ بندی تا چه اندازه مشکلات وزارت بهداشت را حل کرده است ؟

دکتر آهنچیان :

حالا این مقایسه بین نظام ها است . تایمز ، شانگهای و این ها را مقایسه کرده ایم . در واقع بحث ارتباط با باضافه روابط بین الملل جامعه آقای دکتر بازارگان در ردیف ۱۲ آمده است که در هیچ یک از نظام ها وجود ندارد . در مرحله بعد رتبه بندی را در دو بُعد عملکرد کلی هر دانشگاه ، عملکرد کلی دانشگاه ها از طریق خوداظهاری دانشگاه ها است . درواقع اطلاعاتی راجع به تعداد اعضاء هیئت علمی ، تعداد دقیق دانشجویان، سطوح مختلف دانشجو و الی آخر به ما بدهند که البته این ها در ۵ خوشه تدریس ، یادگیری ، پژوهش ، انتقال دانش ، روابط بین الملل و پیوند با جامعه خواهد بود که ریز خواهد شد و این که چگونه ریز خواهد شد از طریقی که در مدل آمده است می باشد .

رتبه بندی در بُعد دوم وضعیت واقعی دانشگاه ها و بر اساس اطلاعات زنده که آن حالت اطلاعات توصیفی دارد که به نظر می آید که می تواند خیلی کمک کننده باشد که فراتر از سطح کمیت ها یا ساده سازی افراطی که اعداد به ما می دهند بتوانند به اطلاعات رسمی هم برسد .

سیاست گذاری و راهبری رتبه بندی دانشگاه ها توسط وزارت . این پیش بینی مؤسسات معتبر و حرفه ای که بتوانند اجرای نظام رتبه بندی را به عهده داشته باشند . از جمله به عنوان یک پیشنهاد انجمن ها . ولی مؤسسه هایی که وزارت علوم با شاخص هایی که تعریف خواهد کرد آن ها را اعتبارسنجی خواهد کرد و به برخی که دارای اعتبار لازم هستند مجوز خواهد داد که به دانشگاه ها برای دریافت ، پردازش و انتقال اطلاعات شان کمک کنند . شاخص ها هم که در گام هایی که طی خواهد شد که به شاخص ها برسیم . که گام ها هم روشن است . نهایتاً " جمع آوری داده ها از این طریق . در واقع رتبه بر حسب عدد نیست دانشگاه ها روی طیف قرار خواهند گرفت . هر رتبه یک خوشه می شود.

دکتر عباس بازارگان :

این رتبه بندی نمی شود ، رتبه بندی در سنجش یعنی این که به هر فرد جامعه مورد بررسی یک رتبه داده شود ، عین رتبه بندی چیه ها در آخر ترم ، نفر اول و نفر آخر روشن است . آن چه که شما می گویند ببینید Ranking و Rating دارید . آن Rating است . این کاری که می گویند Ranking است .



برای آموزش عالی کدام آینده را می خواهید آیا تصویر مشخصی داریم یا خیر؟ اگر نداریم اصلاً "رهایش کنیم". آن اشکالی ندارد، آن *Imagination* است هر کسی به فعالیت در می آید و آن را تصویر می کنیم. یک روز، دو روز... این میزگرد را به یک شکلی بگذارید که این آینده آموزش عالی به اصطلاح تصویر شده ذهنی خانم دکتر و دیگران خیلی قشنگ بیان می کنند ۸ سال در دانشگاه بوده اند و آینده دانشگاه فردوسی را می بینند، این خیلی ایده آل است. این را اگر این تصویرها را جمع بندی کنیم آینده مورد نظر ما... این را اگر بپذیریم آن وقت می توانیم گام برداریم. ما از امکاناتی که داریم استفاده نمی کنیم، باید از امکانات مان استفاده کنیم. مؤسسه ارزشیابی آموزش مهندسی ایران درست شده است و بهترین آدم های این کشور در آن عضو هستند. خود آقای نلی احمدآبادی سرپرست محترم دانشگاه تهران عضو این جا هستند و خیلی های دیگر. وزارت محترم علوم، این ابر مانده است. نهاد هست، این بیچاره ها بارها صحبت کرده اند آمده اند وزارت علوم، اصلاً "گوش وزارت علوم نمی شنود. ولی خوب البته رتبه بندی را می خواهد.

مدلی که آقای دکتر فرمودند یک مدل خطی است. این مدل خطی این طرفش ۷ یعنی کیفیت، حالا به این که کیفیت یعنی چه؟ هیچ کاری نداریم. ۱۲ متغیر داخل آن هست یا ۱۳ تا یک سایر هم داخل آن بگذارند ۱۳ تا می شود پس این را می گذارند داخل این و به هر یک ضریب می دهند این می شود آن رتبه، ۷ تا ابراد رسمی، این ۷ تا را لیست کرده اند بعد هم در نوشته ای در دانشگاه تربیت مدرس چاپ شده است من این ها را برای شما می گویم. ۱۰ - رابطه ای بین X ها و Y ها نیست، ۲ - این ها را شما به راحتی می توانید عوض کنید. ۳ - خود اظهار می کنید، از من می پرسی من می خواهم اولی شوم. آن وقت هر چه دلت می خواهد من می گویم. این قابلیت اعتمادش است. ۴ - ابهام اعتبار ۵ - بعضی از این ها ظاهری فریبنده دارد مثلاً "چی؟ دانشجویان بین المللی. خوب شما ۴ تا از بورکینافاسو، ۳ تا از یوگاندا، ۶ تا هم از کنیا دانشجو دارید. ۶ - این ضرایب دلخواه است. در بهترین حالت شما این ها را مساوی می بینید. ۷ - و بالاخره آخری هم، این ها با هم قابل مقایسه نیست. ما می خواهیم دانشگاه های دست اول را مشخص کنیم. اصلاً این حرف ها را نداریم همه دانشگاه ها دست اول هستند، اما مأموریت و رسالت آن ها با هم فرق می کند. پیشنهاد مشخص، اجازه دهید این ۱۰ زیرنظام را مورد نظارت قرار دهیم. به طور مشخص دولتی ها را براساس مأموریت هایشان اول مقدم بدارید. دولتی ها را براساس عواملی نه شاخص، اصلاً "شاخص معنای Index عامل Factor است. فاکتورهای مشخصی را که با کیفیت رابطه دارند. آقای دکتر یک طرح انجام داده است نتیجه آن را ببینیم Classification دانشگاه ها، خانم دکتر این را بیرون بکشید ببرید و بگویند این پژوهش وزارت علوم است. به این توجه کنید بر اساس آن این دانشگاه های دولتی "دسته بندی" شوند، نه "سطح بندی". با توجه به مأموریت، رسالت. وزارت علوم باید تصمیم بگیرد که دانشگاه های بین المللی حالا آن ۱۰ تا باشد هر چی آن ها را می توانیم حتی رتبه بندی هم بکنیم برای این که به آن ها امتیاز بدهیم ۳ تای اول ما اصلاً لا تعدو و لا تسمم به این ها پول بدهیم. پس وقتی که این طبقه بندی Classification انجام شد. حالا در درون خودش می تواند خیلی کارها بکند که فعلاً به آن ها نمی گوئیم، آماده شان می کنیم. این ها را با کیفیت عجین می کنیم، دلبسته شوند. قدم اول دلبستگی به کیفیت است که هیئت علمی خودش وارد گود شود، کیفیت یک چیزی نیست که ما سوغاتی بیاوریم. هر عضو هیئت علمی می بایست خودش از درون به دنبال کیفیت باشد و بعد بقیه قضایا. از آقای دکتر فرستخواه کمک بگیرید. آقای دکتر یک طرح را اجرا کرده اند یک کلمه در مورد آن صحبت نکردند که این را اجرا کرده ام و نتیجه داده است. اولین جایی که ارزیابی را انجام داد وزارتخانه بود.

دکتر نورشاهی:

حداقل آن هدف عملیاتی ای که ما داشتیم از این پنل، ماحصل کار این شد که شما حرکت به سمت طبقه بندی یا دسته بندی داشته باشید نه رتبه بندی، و بعد استفاده از تحقیقات پیشین که حالا یک مواردی از آن در مؤسسه هست. یک دسته را هم خانم دکتر بازارگادی به هر حال نماینده شان هستند که استفاده شود. و گزارشی که من حالا حداقل به آقای دکتر شریعتی خواهم داد این خواهد بود که دوستان بهره ای که می خواستند بردند و نظرات کیفی برای بهبود این طرح داده شد، این طرح حتماً باید اجرا شود اما در قالبی که در این جلسه به نتیجه رسید.

دکتر بازرگان:

این ها دانشگاه دولتی شد. بقیه را نباید رها کنید. پیام نور، آزاد و علمی - کاربردی. ۳ سیستم است همین کار را در مورد آن ها هم می توان انجام داد. حالا فرض کنید که هر یک را یکی از همکاران رهبری می کنند، در نتیجه روش یکسان است در ۴ سیستم. اگر الان ۵۰۰ مرکز علمی - کاربردی به همین شکل دسته بندی شود، دسته ۱ علمی - کاربردی روشن است و دسته ۳ آن هم روشن است. پس چه باید کرد؟ یک بار پیام نور از ما خواست گفتیم ما این کار را برای شما انجام می دهیم، مال ۱۰ سال پیش است. گفتند چه کار می کنید، گفتیم؛ یک، استاندارد سازی می کنیم. دو، بر اساس آن استانداردها شما را می سنجیم. اول باید برای این ها استاندارد سازی کرد و بعد آن طبقه بندی را انجام داد.

از همین پنل ها:

- پنل ۱. گزارش پنل افتتاحیه
- پنل ۲. مهمترین موضوعات کانونی در آینده نظام علمی و آموزش عالی کشور برای ملاحظه آنها در تدوین برنامه ششم توسعه (بخش آموزش، علم و فناوری)

- پنل ۳. سناریونویسی و تنظیم راهبردها برای برنامه ششم توسعه (بخش آموزش، علم و فناوری)
- پنل ۴. آینده بین المللی شدن آموزش عالی در جهان و نحوه مواجهه خلاق دانشگاههای ایران با آن
- پنل ۵. جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری)
- پنل ۶. آینده مالیه آموزش عالی
- پنل ۷. آینده گسترش آموزش عالی

برای دریافت متن کامل گزارش پنل ها به آدرس <http://www.irphe.ac.ir> بخش میز آینده پژوهی آموزش عالی مراجعه شود.

